

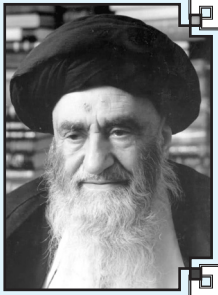
«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد ... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سبایی الجملی زحی

آیت الله العظمی
مرعشی نجفی فقیهی
جامع الاطراف و
عامل به علم بود



سال سی و هشتم ♦ شماره ۱۴ ♦ شماره مسلسل ۱۵۵۶ ♦ نیمه دوم مهرماه ۱۳۹۶ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان ♦

به مناسبت چهلمین روز درگذشت آیت الله علی اصغر مروارید

مروارید مبارزه

سید هادی خسروشاهی



علی اصغر مروارید به سال ۱۳۰۶ ش در مشهد، در يك خانواده روحانی به دنیا آمد. پدرش شیخ علی. فرزند شیخ علی اکبرپور. به رغم زندگی فقیرانه و سختی معیشت، در تربیت فرزندان کوشا بود و می خواست آنان نیز راه پدران را ادامه دهند. علی اصغر مروارید نخست به مکتب خانه رفت و پس از آموزش های ابتدائی، به جرگه طلاب حوزه علمیه مشهد پیوست و دروس مقدماتی و ادبیات عرب را در نزد اساتیدی چون: ادیب نیشابوری، میرزا جوادآقا تهرانی، شیخ مهدی اصفهانی و بقیه اساتید وقت، آموخت و سپس در ۲۵ سالگی راهی تهران شد و در محضر اساتید بزرگی چون: آیت الله بروجردی، شیخ محمدتقی آملی کسب فیض نمود و بعد راهی قم گردید و در این شهر سکنی گزید و در دروس بزرگانی چون: آیت الله محقق داماد، آیت الله سلطانی طباطبائی، امام خمینی و علامه سید محمدحسین طباطبائی حضور یافت.

این دوران، همزمان با فعالیت های «فدائیان اسلام» در حوزه علمیه قم بود و مروارید، با توجه به روحیه ای که داشت، هوادار این حرکت شد و همگام با آنها به فعالیت پرداخت و خود می گوید: «من وضع روحی ام طوری بود که از همان دوران نوجوانی سر پرشوری داشتم... یادام است وقتی خبر اعدام نواب صفوی را شنیدم، احساس کردم دنیا برایم تمام شده و دیگر هیچ کس را ندارم تا بتوانم او را الگو قرار بدهم. در واقع بذر روحیه انقلابی و مبارزاتی را مرحوم نواب در دل من پاشید؛ اما بعدها که با امام خمینی آشنا شدم، از همان سالیهای ظهور و بروز رگه های انقلابی در نهضت ایشان، به اشکال مختلف در جریان مبارزه قرار گرفتم. قبل از سخنرانی امام در فیضیه، من منبر رفتم و خیلی ها گفتند که سخنرانی مروارید امام را گرفتار کرد...!»

نهضت امام خمینی (ره)

... و در همین راستا، مروارید از جمله کسانی بود که به نهضت امام خمینی پیوست و نخستین اعلامیه فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم را که خطاب به هیأت دولت، نوشته شده بود، امضا کرد. در این اعلامیه ضمن اشاره به خدمات گوناگون حوزه علمیه قم در سطح عموم کشور، از اینکه دولت ناجوانمردانه در سرکوب آن می کوشد، سخت انتقاد شده و در ضمن آمده بود: «... متأسفانه با همه سوابق و خدمات حوزه، دولت ایران وضع حوزه علمیه قم را متزلزل و پس از چند حمله، بالاخره مرجع عالیقدر شیعه حضرت آیت الله خمینی ادام الله ظله را به جرم دفاع از دین و آزادی بازداشت نموده و احساسات ملت مسلمان ایران را برانگیخت... و مسلمانان ایران با اعتصاب ها و تظاهرات کم نظیر، آزادی معظم له و تأمین هدفهای روحانیت را خواستار شدند. طلاب حوزه علمیه قم به دولت اخطار می کنند که هر چه زودتر باید رفع مزاحمت از معظم له بشود...»

علی المشکینی، حسینعلی منتظری، عبدالرحیم ربانی شیرازی، ابوالقاسم خزعلی، احمد آذری، ابراهیم امینی، جعفر سبحانی، احمد جنتی، یحیی انصاری شیرازی، علی اصغر مروارید، علی اکبر هاشمی، سید محمدرضا سعیدی خراسانی، محمدتقی مصباح، علی اکبر مسعودی، محمد مؤمن، محمدرضا توسلی، سیدهادی خسروشاهی، عباس محفوظی، مهدی شاه آبادی، سیدجعفر شبیری، رضا استادی (و سبصد و پنجاه امضای دیگر)... به تاریخ ۱۳/۲/۱۳۸۳.

(متن کامل اعلامیه فوق در جلد سوم. کتاب اسناد نهضت اسلامی ایران. ص ۲۳ به بعد آمده است، چاپ تهران: ۱۳۹۶).

... در مراحل بعدی و پس از اقدام و سخنرانی شدیدالحن امام خمینی برضد تصویب قانون ننگین کاپیتولاسیون در سیزدهم آبان ماه ۳۴۳ و تبعید ایشان به ترکیه، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم، در اعلامیه ای تند، به این اقدام ضد بشر رژیم اعتراض نمودند که باز امضای آقای علی اصغر مروارید در کنار امضاهای دیگر فضلا و طلاب قرار دارد.

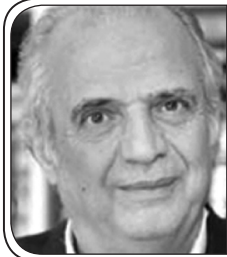
ادامه در صفحه ۴

دانشگاه مذاهب
اسلامی پیشانی واقعی
اندیشه های ناب
انقلاب اسلامی در
حوزه وحدت است



گفت وگو با محمود حکیمی درباره
کتاب «دین محبت»

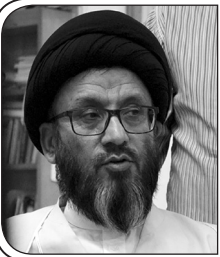
تاکید امامان
شیعه بر عدالت
و مهرورزی
بوده است



آیت الله
مهدوی کنی به
تنهایی یک «جریان»
سازنده بود



بررسی مشکلات
شیعیان
افغانستان در
سال های اخیر



خطرات اسلام تحمیلی

شما نشده است. (حجرات: ۱۴)

و چنین ایمانی هرگز با زور و اجبار پدید نمی آید. تنها چیزی که چنین ایمانی را ایجاد می کند، توجیه است، چنان که قرآن کریم به دنبال اعلام عدم اکراه در دین، دلیل آن را بیان می کند که حق از باطل و راه از بیراهه قابل تشخیص است. یعنی ایمان شما به آسانی قابل توجیه می باشد. (بقره: ۲۵۶)

اینک، سوال دیگری که پیش می آید آن است که کدام یک از این دو روش سودمند و کدامیک زیانبار است؟ بی تردید، اگر کسی دین اسلام را با آگاهی و اختیار خود بپذیرد، برای خود یا جامعه مشکلی ایجاد نخواهد کرد. او مسلمانی است که به اصول دین باور داشته، به لوازم آن گردن می نهد. اما اگر کسی با اجبار و تحمیل خود را مسلمان نشان دهد، از جهات مختلف، برای خود و جامعه زیانبار خواهد بود:

۱- ترویج نفاق:

چنین شخصی از نظر روانی خود را دارای شخصیت ضعیفی خواهد یافت که با اراده دیگران حرکت می کند و به خاطر دیگران اظهار ایمان می کند. چنین شخصی، عملاً موجودی متظاهر و چاپلوس خواهد بود. همین اخلاق در خانواده او نیز اثر گذاشته، آنان را دارای شخصیتی ضعیف، بی اراده، چاپلوس و طمعکار خواهد کرد.

مردم نیز به چنین افرادی با دیده احترام نمی نگرند. اعتراض عده ای به چادر پوشیدن شخصی به خاطر شغلش نشان دهنده چنین دیدگاهی است. همه می دانند که چادر مطلوب است و ریش گذاشتن و انگشت پوشیدن خوب، اما نه به خاطر استفاده ابزاری از آنها برای کسب مال و جاه. بی تردید نگاه ابزاری به مقدسات از شخصیت انسان می کاهد.

قرآن کریم نیز منافق را خطرناک تر از کافر قلمداد کرده است. بی تردید چنین نگاهی، دلایلی دارد: از جمله اینکه میان منافقان و اهل اسلام هیچ فاصله ای نیست و آنان در کنار یکدیگر زندگی می کنند؛ منافقان گمان می کنند حق و حقیقت را به بازی گرفته اند؛ منافقان نقش ستون پنجم را بازی کرده و در هر فرصتی به مسلمانان خنجر می زنند و ...

در باره شرک گفته اند که شرک بردو قسم است: خفی و جلی. و نیز گفته اند که تشخیص شرک جلی آسان است، ولی تشخیص شرک خفی دشوار است. در نفاق هم، تشخیص نفاق های آشکار آسان است و خطر آنها هم کمتر است. اما تشخیص نفاق پنهان، بسیار دشوار است. به گونه ای که حتی خود منافق نیز ممکن است، نفاق خود را درست تشخیص ندهد.

مطلب پیش رو یادداشتی از دکتر یحیی یرثی، استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی با عنوان «خطرات اسلام تحمیلی» است.

بسیاری از اصلاح طلبان دیندار آرزو دارند که شرایط دینداری ما شبیه شرایط زمان پیغمبر (ص) باشد که آن را سلفی گری می نامند، یعنی همه مردم جامعه اسلام را از دل و جان بپذیرا شده، با دقت به آموزه های آن پایبند باشند.

هرچند سلفی گری به خودی خود هدف نادرستی نیست، اما از چگونگی بازگشت به عصر نبی اکرم (ص) دو برداشت متفاوت وجود دارد؛ یکی آنکه اسلام را با زور و اجبار به مردم جامعه تحمیل کنیم و دیگری اینکه آنان را با تبلیغ و اطلاع رسانی و توجیه و استدلال با آموزه های اسلام آشنا سازیم تا این آشنایی زمینه انتخاب و پایبندی را برای آنان فراهم آورد. آنان که شیوه اول را در پیش می گیرند، چاره ای جز آن ندارند که با ابزار خشونت پیش بروند، زیرا تحمیل یک فکر یا عمل، جز با زور و اجبار تحقق نمی یابد. هیچکس نمی تواند، جز با زور و اجبار، کسی را که به حقانیت اصول و فروع یک دین باور ندارد، تسلیم آن دین سازد. تنها در این صورت است که شخص مجبور، چیزی می گوید که در دل به آن باور ندارد و رفتاری می کند که ممکن است حتی آن را درست نداند.

اکنون جای این پرسش هست که کدامیک از این دو روش با آموزه های اسلام سازگار است؟ تردیدی نیست که روش تبلیغ با آموزه های اسلام سازگار است، نه تحمیل؛ زیرا:

۱- آیات متعددی در قرآن کریم اعلام کرده اند که کار رسول خدا (ص) تنها ابلاغ پیام است (مائده: ۹۹؛ نور: ۵۴؛ عنکبوت: ۱۸ و ...) و او مسئول عمل و رفتار مردم و سیطره بر آنان نیست (شوری: ۶)

۲- اساس دین اسلام، هدایت است؛ یعنی مردم را راهنمایی کردن، نه زیر فشار قرار دادن و هدایت جز با تبلیغ و اطلاع رسانی و توضیح و توجیه امکان ندارد.

۳- اساس ایمان مسلمان، توجیه عقلی است و توجیه، تحمیل بردار نیست. در اینجا توجیه به معنای بیان کردن دلایل و نشانه های درستی یک گزاره است. برخی ادیان، مانند مسیحیت، ایمان را غیرعقلانی می دانند. به این معنا که انسان باید چیزی را بپذیرد، بی آنکه برای آن دلیل و نشانه ای از حقانیت داشته باشد.

اما، اسلام به عنوان یک دین عقلانی، ایمان را با توجیه می پذیرد. چنانکه به عده ای که بخاطر برخی ملاحظات مسلمان شده بودند، می فرماید نگویید که ایمان آورده ایم. بلکه بگویید مسلمان شده ایم! اما هنوز ایمان وارد حوزه اندیشه

خبرگزاری ایسنا: برخلاف سال‌های گذشته که در مراسم عزاداری ایام تاسوعا و عاشورای حسینی (ع) مردم بر اساس اعتقادات مذهبی فعالیت می‌کردند، این روزها برای انجام برخی امور در هیأت‌ها و تکایا هزینه‌های چند میلیونی دریافت می‌شود.

در این میان، یکی از بخش‌هایی که بیشترین هزینه را به هیأت‌ها و تکایا تحمیل می‌کند، بخشی است که مربوط به هزینه‌های موزیک و اکوی آنها می‌شود. این در حالی است که پیش از این مراجع دینی بارها بر قبیح بودن استفاده از موزیک در هیأت‌های مذهبی تأکید کرده بودند.

محسن محمدی از جمله شبیه‌خوانانی است که سال‌هاست در این زمینه فعالیت کرده است. وی تأکید دارد در سال‌های گذشته شرایط اقتصادی و به ویژه هزینه‌های مربوط به موزیک و اکو (دستگاه پخش صدا) شرایطی ایجاد کرده که به تدریج رونق کار شبیه‌خوانی کمتر و کمتر شده است.

وی در این باره تأکید دارد که اکنون بانیان هیأت‌ها و تکایا در موارد متعدد از پس هزینه‌های چند ۱۰ میلیونی موزیک و اکو برنیامده و علاقه‌ای برای پرداخت به این بخش نشان نمی‌دهند.

این شبیه‌خوان در عین حال اظهار کرد: سال گذشته ما تنها برای یک چادر، موزیک و اکو بالغ بر ۱۲ میلیون و ۴۰ هزار تومان هزینه کردیم اما در سال جاری هزینه‌ها از این هم بالاتر رفته و امکان اجرای ۱۰ روزه تعزیه برای بسیاری از گروه‌ها وجود ندارد.

محمدی همچنین عنوان کرد: این اتفاق در شرایطی رخ می‌دهد که در گذشته علاوه بر ۱۰ روز اول ماه محرم در سایر مناسبت‌های

مذهبی نیز گروه‌های مختلف به اجرای تعزیه می‌پرداختند.

وی با تأکید بر این که در حال حاضر یک شبپورزن برای همکاری با هیأت‌ها رقمی معادل ۷ میلیون تومان طلب می‌کند، گفت: استدلال بسیاری از افراد آن است که از این راه زندگی می‌گذرانند؛ در حالی که این افراد شغل ثابت دارند.

این تعزیه‌خوان در ادامه صحبت‌های خود به خوانندگانی که در برخی از تکایا به نوحه‌خوانی می‌پردازند، اشاره کرد و گفت: حتی در برخی موارد نوحه‌خوان‌هایی که حرفه‌ای تر هستند، مبالغ چندانی بابت خواندن نوحه در هیأت‌ها طلب می‌کنند.

محمدی در ادامه صحبت‌های خود با اشاره به برخی دیگر از هزینه‌هایی که برای هیأت‌ها و تکایا وجود دارد، گفت: امسال ما تنها برای تعمیر زره‌های خود حدود ۳۵۰ هزار تومان پرداخت کردیم اما البته زره‌هایی هم در بازار وجود دارد که جنس آنها به هیچ عنوان مرغوب نبوده و شاید اگر یک بار آنها را بر تن کنیم، دانه‌های آنها از جا کنده خواهد شد. برای این نوع زره‌ها نیز قیمتی حدود ۲۴۰ هزار تومان تعیین شده است.

محمدی ادامه داد: سال گذشته یکی از افرادی که برای ما به اجرای موزیک می‌پرداخت، بابت هر روز ۴۵۰ هزار تومان دستمزد می‌گرفت اما امسال همین شخص تأکید دارد که برای اجرای موسیقی در دسته‌های عزاداری روزانه ۷۰ هزار تومان خواهد گرفت که برای ما پرداخت چنین هزینه‌هایی دشوار است. از سوی دیگر، افرادی که به اجرای موسیقی می‌پردازند، در این روزها چنان فعال هستند که از مدت‌ها قبل برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام داده

خدا بنده عزاداری‌ها رونق نسبی گرفت اما در دوره تیموری اتفاقی افتاد که سرنوشت عزاداری‌ها را تا روزگار مارقم زد. خطیب و دانشمند بزرگ سبزواری کمال الدین حسین بیهقی سبزواری معروف به ملا حسین کاشفی از سبزواری به هرات هجرت کرد و مورد استقبال پادشاه، شاهزادگان و عموم مردم قرار گرفت. این شاعر زبردست و گرانمایه کتابی به نام «روضه الشهداء» با موضوع شرح مصائب اهل بیت از جمله امام حسین تألیف کرد. این کتاب به دلیل نثر شیوایش بسیار مورد استقبال قرار گرفت. در این دوره طبقه‌ای به نام روضه‌خوان‌ها ایجاد شد که با استفاده از آن کتاب، در مجالس عزاداری برپا می‌کردند.

مؤلف کتاب «هنر مرثیه‌خوانی» تأکید کرد: در دوره صفویه شاهد اضافه شدن شکل دیگری از عزاداری هستیم که آن دسته‌گردانی است و دسته‌های مختلف به خیابان‌ها می‌آمدند. سفرنامه نویسان به تفصیل به این موضوع اشاره کرده‌اند. در دوره زندیه نیز شکل دیگری از عزاداری رایج شد که آن شبیه‌خوانی است. کریم خان زند به شعائر مذهبی علاقمند بود و شیراز به عنوان پایتخت به ۱۲ منطقه به نام امامان نامگذاری شد و هر منطقه را تحت الحمايه آن معصوم می‌دانستند.

وی تصریح کرد: در دوره افشاریه شاهد قدری افول هستیم اما در دوره قاجاریه شکل‌های مختلف عزاداری به وجود آمد که در راس آنها نوحه‌خوانی بود. یغمای جندقی شکل خاصی از نوحه را ابداع کرد که غالباً در قالب مستزاد است. تمام گونه‌ها در این دوره رواج شگفتی داشت و موسیقی مذهبی، الحان و نغمات آن به شکل گسترده‌ای به چشم می‌خورد. بزرگترین اساتید موسیقی ما نیز در میان روضه‌خوان‌ها، نوحه‌خوان‌ها و شبیه‌خوان‌ها بودند.

امین فروغی ادامه داد: با به وجود آمدن انقلاب

قابل توجه مسئولین امور:

موزیک هیأت‌ها



و اکنون فرصتی ندارند و بر همین اساس، در سال جاری اجرای یک مراسم شبیه‌خوانی برای ما حدود ۲۰ میلیون تومان هزینه به همراه دارد.

اما مروری بر قیمت‌های بازار نیز گویای آن است که در حوزه موسیقی و موزیک که از سال‌های گذشته در تکایا رونق گرفته، هزینه‌های سنگینی وجود دارد. به عنوان مثال، در ایام محرم و صفر هر سال هیأت‌های زیادی سیستم‌های صوتی خود را افزایش می‌دهند که این سیستم‌ها عبارتند از اکو، باند، میکسر، دایناکورد، میکروفن‌های معمولی و بی‌سیم، موتور برق و سیستم‌های وایرلسی که روی چرخ‌ها سوار می‌شوند و از سیم استفاده نمی‌کنند. از سوی دیگر، در هیأت‌ها ریتم‌های زنجیرزنی نیز به کار می‌رود که شامل طبل، سنج و دهل بوده که در سال‌های جدید به آنها دمان و پرکاشن هم اضافه شده است.

بدین ترتیب هزینه‌های نصب و راه‌اندازی یک دستگاه صدابرداری در هیأت‌های عزاداری و زنجیرزنی به شرط استفاده از باند‌های ایرانی از جفتی سه میلیون تا شش میلیون تومان خواهد بود که این هزینه‌ها در صورت استفاده از باند‌های

مشروطیت و دوران تجدد موج تفکرات نوین در کشور رایج می‌شود، نوحه‌خوان‌ها و روضه‌خوان‌ها نیز از این قاعده مستثنی نیستند، فرزندان بسیاری از شبیه‌خوان‌ها و اهل منبر به آوازخوانی و تصنیف خوانی روی می‌آورند. اما در پهلوی اول با ممنوعیت‌هایی که اعمال می‌شود، این پدیده به شکل زیرزمینی کار خود را ادامه می‌دهد و روضه‌های خانگی رواج زیادی پیدا می‌کند. در دوره پهلوی دوم سوگواری‌ها رونق می‌گیرد، علنی می‌شود و حال و هوای سیاسی به خود می‌گیرد تا به انقلاب سال ۵۷ منجر می‌شود.

برنده جایزه محتشم ۹۵ اضافه کرد: در تمام این دوره‌ها، در اشکال مختلف عزاداری به گونه‌های مختلف موسیقی سازی ما و در بعضی موارد موسیقی آوازی ما حضور دارد و به راستی باید گفت اگر از دیرباز تاکنون ما از شعائر حسینی موسیقی را بگیریم به حیات بسیاری از آنها خاتمه داده ایم و این پیوند از دیرباز بین موسیقی و مذهب وجود داشته و وجود دارد.

وی درباره پیوند فرهنگ موسیقی با فرهنگ عاشورایی اظهار کرد: در تمام فرهنگ‌ها از گذشته تاکنون پیوند ناگسستنی آیین پرستش و نیایش، ادیان و مذاهب مختلف با موسیقی برقرار بوده و از ابتدا موسیقی از آن مذاهب بوده است. با مطالعه تاریخ و فرهنگ مختلف به وضوح مشخص است پدیده‌های مذهبی، آیین‌های نیایش و ستایش از ابتدای شکل‌گیری دستیاری در کنار خود داشته‌اند به نام موسیقی، چه سازی و چه آوازی. در تمام ادیان از یونان و ایران باستان گرفته تا اسلام موسیقی وجود داشته است.

امین فروغی افزود: در قرائت قرآن اساتیدی ظهور کرده‌اند که موسیقی دانان بزرگ عصر بوده‌اند؛ مثلاً سوره مریم عبدالباسط را در نظر بگیرید که

خارجی به جفتی پنج تا ۱۴ میلیون تومان نیز می‌رسد. از سوی دیگر، دستگاه میکسر یا همان دایناکورد که کار تنظیم صدا را بر عهده دارد، قیمت‌های مختلفی داشته و در حال حاضر کمترین هزینه برای خرید یک میکسر حدود چهار میلیون تومان است که البته این مدل ارزان‌ترین میکسرها به شمار رفته و مدل‌های بالاتر از آن، به ترتیب از ۱۲ تا ۴۰ میلیون تومان قیمت دارند. بر اساس برخی مشاهدات، سیستم موزیک و ریتم هیأت‌ها که شامل طبل می‌شود، قیمتی حدود ۳۰ تا یک میلیون و ۵۰ هزار تومان داشته و برای دهل نیز از ۱۵۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۲۰ تومان هزینه می‌شود. همچنین سنج از ۵۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان قیمت داشته و برای پرکاشن هزینه‌هایی از ۷۰ هزار تومان تا ۶ میلیون تومان در نظر گرفته می‌شود.

همچنین برای استفاده از سیستم وایرلس باید یک فرستنده و یک گیرنده صدا نصب شود که برای هر چرخ داخل دسته‌ها هزینه‌ای حدود ۱۰۵ تا ۲ میلیون تومان نیاز است. میکروفن‌های بی‌سیم و نسل جدید قیمت‌هایی از ۴۰ هزار تومان تا ۵۱ میلیون تومان داشته و برای هر چرخ حامل سیستم برقی که در میان دسته‌ها حرکت می‌کند، حدود دو تا سه موتور برق نیاز است که هزینه هر موتور برق از ۵ تا ۱۲ میلیون تومان برای سیستم‌های کارکرده و ۱۴ تا ۲۵ میلیون تومان برای سیستم‌های نو محسوب می‌شود.

اما درآمدزایی‌های صورت گرفته در ماه محرم به این موارد خلاصه نشده و طبق مشاهدات، حتی افرادی که برای ذبح قربانی اقدام می‌کنند، هزینه‌ای بالغ بر ۲۵ هزار تومان برای ذبح یک گوسفند دریافت می‌کنند.

ریتم در عزاداری جای معنا را گرفته است

چه شاهکاری آفریده است. آثار مصطفی اسماعیل هم همین است. علاوه بر قرائت قرآن، در اذان ما نمونه‌های تابناکی داریم که در ایران نمونه بارز آن شاهکار مرحوم مودن زاده اردبیلی است.

مؤلف کتاب «شعر و موسیقی در نوحه‌های طهران قدیم» با بیان اینکه در گذشته عزاداری‌ها شکل‌های هنری داشت و از معنویت بالاتری از روزگار ما برخوردار بود، تصریح کرد: عمدتاً اشعار خوبی خوانده می‌شد و مقتل خوان‌ها بهترین مقتل‌ها را انتخاب می‌کردند. یکی از شکل‌های جذاب سوگواری خطبه‌خوانی بود که متأسفانه در روزگار ما کمتر به آن پرداخته می‌شود.

مؤلف «محتشم‌نامه» ادامه داد: هنری و فاخر برگزار کردن مجالس در روزگار ما قدری مغفول شده است و به ظواهر و سرعتها، تحرک‌ها و تنوع‌ها بیشتر می‌پردازند. در گذشته اینگونه نبود که هر شب یک نوحه‌ای را بشنویم. از دوره یغمای جندقی تا بیش از صد سال با ملودی‌های متفاوت در نوحه‌ها مواجه نیستید و ملودی‌ها عمدتاً یک آهنگ دارند. چرا؟ چون باید روزگاری بر این ملودی بگذرد، مردم شب و روز با این ملودی مانوس باشند و کم‌کم هاله‌ای از قداست اطراف این ملودی تشکیل شود. بنابراین نوحه‌ها به یک ملودی و موسیقی مقدس تبدیل می‌شدند. اینگونه افرادی که در غفلت بودند با شنیدن نوحه‌ای که در جوانی آن را می‌شنیدند، متحول می‌شدند یا با اصوات نوحه‌ها مکاشفه‌هایی برای مردم اهل معنا شکل می‌داد.

وی در پایان گفت: در این روزگار، با تنوع و تكثر ملودی‌هایی روبرو هستیم که عمر آنها یک شب و اثرگذاری و معنویتشان بسیار اندک است. اکنون ضرباهنگ‌ها تند شده، ریتم جای معنا را گرفته و محتوا مغلوب شکل شده است و به راستی باید بازبینی در این پدیده صورت بگیرد.

خبرگزاری فارس: رضا مهدوی کارشناس مجری بخش موسیقی «چشم شب روشن» میزبان مهدی امین فروغی پژوهشگر موسیقی آیینی و مذهبی بود. امین فروغی درباره دوره‌های مختلف سوگواری اباعبدالله اظهار کرد: می‌توانیم این پدیده را به ۵ دوره تقسیم کنیم. اول از بدو وقوع حادثه تا قرن چهارم هجری، دوم از قرن چهارم تا ابتدای دوره قاجاریه، سوم تمام دوران قاجاریه و چهارم از مشروطه تا انقلاب اسلامی و آخرین دوره از انقلاب تا به حال.

وی افزود: نخستین سوگواران بازماندگان خاندان اباعبدالله بودند و در طول سفراسارت در مواضع مختلف عزاداری می‌کردند. امام سجاد (ع) تا پایان عمر سوگوار پدر بود و زینب کبری (س) هم همینطور. اما در دوران ائمه اطهار پس از امام سجاد، به سختی و با تنگنا سوگواری برگزار می‌شد و شعرا و سوگواران در مهنت بودند و از سوی حاکمان تهدید می‌شدند. از جمله دعبل خزاعی. نه تنها محبان امام حسین (ع) به اشکال بدی کشته می‌شدند بلکه حتی قبر سیدالشهدا در زمان متوکل به آب بسته شد، آن را تخریب کردند، شخم زدند و آن سرزمین را کشت کردند.

این پژوهشگر موسیقی آیینی و مذهبی ادامه داد: در نیمه دوم قرن چهارم هجری، آل بویه که بر قسمت اعظم ایران و عراق عرب تسلط داشتند نخستین دولت شیعی ایرانی پس از اسلام را تشکیل دادند، پادشاهان آن علاقه فراوانی به شعائر داشتند و معزالدوله دیلمی دستور داد پس از تسلط بر بغداد، بازارها را سیاه پوش کنند و در دهه اول محرم عزاداری برپا شود و اینگونه عزاداری‌ها در کشور ما علنی و رسمی شد.

امین فروغی یادآور شد: در دوره مغولان به خصوص در عهد غازان خان که شیعه شد و سلطان محمد

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا:

آیت الله العظمی مرعشی نجفی فقیهی جامع الاطراف و عامل به علم بود

حجت الاسلام و المسلمین سید عبدالله فاطمی نیا در مراسم بیست و هشتمین سالگرد ارتحال آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در حسینیه این مرجع فقید جهان تشیع، خطاب به طلاب جوان اظهارداشت: فقیه شدن مقدماتی دارد که همه آن را می دانید و لذا احادیث، آیات و دیگر موضوعات را ابزاری برای دین شناسی قرار دهید.

وی با تأکید بر این که باید احادیث را به خوبی خواند و درک کرد، تصریح داشت: در حوزه علمیه انسان هایی بودند که با استفاده از ابزار موجود مراحل فقیه شدن را طی کردند اما در دین شناسی نتوانستند رشد کنند.

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا افزود: قرن ها است که کتاب شهید ثانی خوانده می شود اما زمانی که اسرار الصلاه او به چاپ می رسد برخی از کسانی که در حوزه تحصیل می کردند آن را بر نتاییدند.

استاد حوزه با بیان اینکه طلاب باید در این راهی که وارد شده اند، نظر بلند باشند، گفت: برای اینکه از اهل معرفت باشید باید مجتهد شوید و لذا بزرگان ما چون آیت الله مرعشی نجفی از مجتهدین بودند.

وی در ادامه مرحوم آیت الله مرعشی نجفی را فقیهی بزرگ و جامع ذکر کرد و ابراز داشت: این مرد خدا به درجات بالایی از علم و فقاقت رسیده بود.

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا به حدیثی اشاره کرد که خداوند اگر بنده ای را بخواهد او را فقیه در دین قرار می دهد.

وی حدیثی دیگری مطرح کرد و گفت: خیری در زندگانی نیست مگر برای عالمی که از او اطاعت کنند و شاگردی که مطلب را به خوبی بفهمد.

استاد حوزه علمیه افزود: احادیث اهل بیت (ع) فراوان است که باید در آنها تأمل شود و صرف خواندن کفایت نمی کند.

حجت الاسلام والمسلمین فاطمی نیا با بیان اینکه آیت الله مرعشی نجفی برای جمع آوری کتاب هایش سختی های فراوانی کشید و حتی به زندان افتاد، عنوان کرد: این چراغی که ایشان در مسیر علم برافروخت امروز به همت فرزند آن مرحوم همچنان روشن است و روز به روز نیز بر روشنائی آن افزوده می شود.

وی به جامعیت آیت الله مرعشی نجفی اشاره کرد و گفت: این عالم ربانی در تمام عرصه هایی که مربوط به دین می شد متخصص بود.

این استاد و محقق حوزه با بیان اینکه آیت الله مرعشی نجفی بسیاری از کتاب هایی که در کتابخانه جمع آوری می کرد را خود می خواند، اظهار کرد: این عالم بزرگ، مرجع تقلید، مرجع کتاب شناسی و نسخه شناسی بود و بسیاری از اساتید با تجربه دانشگاه به این مرجع علاقه داشتند و پای سخنان او می نشستند.

وی با اشاره به این که محبت و شناخت اهل بیت (ع) نکته بسیار مهمی است که تا کسی آن را نداشته باشد، به هیچ درجه ای نمی رسد، تصریح کرد: آیت الله مرعشی نجفی این محبت را در دل داشت و بسیار اهل تهذیب نفس بود.

آیت الله مهدوی کنی به تنهایی یک «جریان» سازنده بود

گفتار آیت الله مهدوی کنی و امام خمینی را رعایت می کردیم بهتر بود و بعضی مشکلات پیش نمی آمد و بعضی ضربات را متحمل نمی شدیم؛ در نهایت دیدیم که کسانی که خواسته یا ناخواسته از امام جلو افتادند به انحراف کشیده شدند.

وی با اشاره به اینکه آیت الله مهدوی کنی از ابتدا در مبارزات سیاسی شرکت داشت، گفت: ایشان خودش به تنهایی یک جریان بود و تشکیلات ارتباطی داشت. ایشان در طول مدت حبس و زیر شکنجه های شدید هیچ گاه مقاومت خود را از دست نداد.

وی افزود: آیت الله مهدوی کنی با وجود اینکه پس از انقلاب زحمات زیادی کشیدند از جهات اقتصادی و مالی از هراتهای مبرا بودند؛ ایشان بسیار ساده زیست بودند.

عزت شاهی با اشاره به مدت حضور آیت الله مهدوی کنی در کمیته انقلاب اسلامی گفت: در اوایل تشکیل کمیته جمع کردن روحانیون و سایر نیروها و ایجاد اتحاد و هماهنگی بین آنها کار بسیار سختی بود اما آیت الله مهدوی کنی به خوبی از پس آن برآمد. اگر ما در کمیته در مورد دستگیری ها و سایر مسائل اشتباهی داشتیم آیت الله مهدوی کنی با سعه صدر تحمل می کردند و ما بعدها می فهمیدیم که حق با ایشان بود.

وی تصریح کرد: آیت الله مهدوی کنی در دانشگاه امام صادق (ص) نیز بسیار خوب عمل کردند و توانستند جوانان خوبی را برای نظام تربیت کنند.

همچنین در این مراسم حجت الاسلام سعید مهدوی کنی فرزند آیت الله مهدوی کنی گفت: در

همزمان با سومین سالگرد رحلت حضرت آیت الله مهدوی کنی مراسم رونمایی از تندیس این عالم مجاهد در موزه عبرت برگزار شد.

در این مراسم قاسم حسن پور مدیر موزه عبرت گفت: هرچند که جریانهای وابسته به غرب برای تطهیر رژیم ستمشاهی تلاش می کنند اما موزه عبرت جنایات رژیم پهلوی را تازه نگه می دارد و برای نسل جوان به تصویر می کشد و با تکیه بر خاطرات انقلابیونی که در اینجا زندانی بوده اند توطئه های آنان را خنثی می کنیم.

وی ادامه داد: در موزه عبرت از دو ابزار استفاده می شود، ادبیات داستانی که با استفاده از آن خاطرات محبوسین زندان کمیته مشترک در قالب کتابهای خواندنی عرضه می شود و هنر که با استفاده از هنر مجسمه سازان، تندیس بزرگان نظام که در اینجا زندانی بوده اند ساخته می شود تا خاطره آنها زنده بماند.

در ادامه این مراسم عزت الله شاهی مبارزو زندانی سیاسی سالهای پیش از انقلاب گفت: شخصیت آیت الله مهدوی کنی بسیار بالاتر از آن است که من بخواهم راجع به ایشان صحبت کنم. از سال ۴۰ کم و بیش با آیت الله مهدوی کنی آشنایی داشتم و از صحبتهای ایشان استفاده می کردم.

وی با بیان این که آیت الله مهدوی کنی فقط در پی پیروی از خط مشی امام خمینی (ره) بود، گفت: ایشان همیشه خود را پشت سر امام می دیدند. ما در روزگار جوانی افکاری مبنی بر انجام ترور و انفجار داشتیم اما آیت الله مهدوی کنی صرفاً در جهت اسلام فعالیت می کردند؛ ما نیز بعدها به این نتیجه رسیدیم که بعضی از کارهایمان درست نبود و اگر

خطرات اسلام تحمیلی



ترویج اسلام را، تنها با روش هدایت اجازه می دهد و از اجبار مردم و تحمیل اسلام بر آنان برحذر می دارد. در کلام شیعه، قاعده ای وجود دارد به نام قاعده لطف. طبق این قاعده، رابطه خداوند با بنده، در چارچوب «لطف» است. یعنی هر اقدامی که خداوند در مورد انسان انجام دهد، باید به گونه ای

باشد که او را به خوبی ها نزدیک کرده و از بدی ها دور سازد، اما هرگز انسان را مجبور نکند. یعنی کارهای انسان باید در حد آگاهی و اختیار او باشد، نه اینکه خدا او را مجبور به انجام کاری بکند. به همین دلیل است که خداوند تنها به هدایت انسان می پردازد و هدایت یعنی نشان دادن راه و آگاهانیدن.

در نظام الهی، اعتبار آگاهی و آزادی انسان، اساس رابطه خداوند با اوست. هدایت به حوزه آگاهی انسان مربوط است. وظیفه پیامبر و اولیای دین جز روشنگری و هشدار، چیزی نیست. «ذکر»، «مُذکر»، «بشیر» و «نذیر»، از عناوین مکرر در قرآن است و همه آن ها با حوزه آگاهی انسان کار دارند. در مفهوم هیچ یک از آن -ها، جبر و اکراه و سلطه جای ندارد.

بنابراین، آزادی انسان حتی برای خدا و پیامبر هم خط قرمز است! یعنی خدا و پیامبر (ص) و امام (ع) و هر مسئول دیگری باید کاری کنند که مردم خود، اسلام را انتخاب کنند و خودشان به دستورات دین عمل نمایند. یعنی کار آنان تنها تشویق و نزدیک ساختن آنان به انتخاب راه درست است، اما این تشویق و این نزدیک سازی، هرگز نباید انقدر ادامه یابد که به آزادی انسان آسیب بزند. بنابراین، آنان که خود را مکلف می دانند که مردم را خواه ناخواه به دین اسلام تسلیم کنند و دستورات دین اسلام را با هر وسیله که شده به مردم تحمیل نمایند، دانسته و ندانسته، مجبور خواهند بود از خشونت استفاده کنند و ارج و اعتبار

انسان زیر پا بگذارند و به جان و مال مردم ارزش نهند، به راحتی اموال مردم را مصادره کنند و به آسانی دستور انفجار و تخریب مسجدها را بدهند و خون زنان و کودکانی را بریزند که هیچ گناهی نکرده اند، اما همه اینها را در این راه به کار گیرند که می خواهیم مردم به حکومت اسلامی گردن نهند و اسلام در جامعه اجرا شود.

متأسفانه چنین برداشتی را در برخی مسلمانان امروز جهان می بینیم که نتیجه آن، همان است که از گروه هایی امثال داعش و جیش النصره و... مشاهده می کنیم. اینان می خواهند به اسلام کمک کرده، به دشمنان اسلام ضربه بزنند و با همین بهانه به کشتار مردم بی گناه دست می زنند، چه در غرب مسیحی چه در شرق مسلمان! در انگلستان یا در افغانستان برایشان فرقی نمی کند.

در انتها، این نکته را یادآوری شوم که در پیش گرفتن روش هدایت نیازمند فداکاری زیاد و مشکل است، اما روش تحمیل غرور آفرین و آسان است. بنابراین، کسانی که برای ترویج اسلام و ارزش های اسلامی از اجبار و تحمیل بهره می گیرند، در حقیقت، دچار خودخواهی و تن آسایی هستند. زیرا، کسی که به دنبال هدایت دیگران باشد، باید از خودخواهی دوری جوید و با عقل و منطق بردل و درون مردم نفوذ کند تا مردم هدایت شوند. هدایت کردن نیازمند آن است که انسان شعور کافی، آگاهی لازم، شکیبایی زیاد و پایداری مورد نیاز را داشته باشد. در صورتی که اجبار و تحمیل نیازمند هیچکدام این ها نیست. هر انسان خودخواه، قدرت طلب، کم فکر و تنگ نظری می تواند به بهانه مسلمان کردن دیگران دست به خشونت و تعدی و تجاوز بزند و این نکته ای بسیار ظریف، مخصوصاً برای مسئولان فرهنگی جامعه است که نباید از آن غفلت کرد.

ادامه از صفحه اول

جامعه ما هم اکنون هر زیان و ضرری که می بیند، از این گونه نفاق است. این گونه نفاق، هم از نظر کمیت بیشتر است و هم از نظر کیفیت متنوع تر و پیچیده تر. بسیاری از کسانی که در جامعه ی اسلامی زندگی می کنند و مسلمان به شمار می آیند، در عمل مسلمان نیستند و پایبند اسلام نمی باشند. این افراد اسلام را فقط تا آنجا اجرا می کنند که برای خودشان راه باز کنند و چون راهشان باز شد، دیگر قبله ای جز جاه و مال و خودی و خودخواهی ندارند.

آشننگی های اقتصادی جامعه، مشکلات اخلاقی و فرهنگی جامعه، نابسامانی های اداری و اجرایی جامعه، کاستی ها و عقب ماندگی های آموزشی و پژوهشی جامعه، مشکلات زندگی عده ی زیادی از مردم جامعه و هزاران مشکل دیگر، ناشی از عملکرد این نفاق پنهان است. رانت ها، رشوه خواری ها، تورم، بیکاری، فحشا، قاچاق و اعتیاد، ربا، دلالی، اسراف و تجمل، و نمایش قدرت و ثروت، همه و همه از دستاوردهای این نفاق پنهان است. نفاق پنهان، نه پایبند علم و دانش است و نه دلبسته خدا و پیغمبر. این منافقان از دانش و دین به یک نام و عنوان قناعت کرده و در عمل جز هوا و هوس خود، بنده کسی نیستند.

۲- ترویج خشونت:

بی تردید، هر دین و مرامی می تواند کار خود را با تبلیغ یا خشونت پیش ببرد. از آنجا که دین اسلام در سراسر قرآن بر هدایت و تبلیغ و هشدار و اطلاع رسانی تأکید می ورزد، اسلام نمی تواند محصول خشونت باشد، اما اگر ما به عنوان طرفدار دین و علاقمند به توسعه و ترویج آن، حدود اختیارات خود را در این کار درست تعریف نکنیم، دچار خشونت خواهیم شد. ما می توانیم حدود اختیارات خود را یکی از این دو فرض در نظر بگیریم؛ هدایت یا اکراه و اجبار!

اگر درک درستی از قرآن داشته باشیم، قرآن

ادامه از صفحه اول

در این بیانیه آمده است: «... دولت غیر ملی و ضد اسلامی ایران با کشتار عزیزان ما در مدرسه فیضیه قم و طالبیه تبریز و قتل عام ۱۵ خرداد و اعدام مردم مسلمان، دل ما را خون کرده و با تبعید غیرقانونی مرجع تقلید مسلمانان ایران حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی و دادن مصونیت به مستشاران نظامی آمریکا، روزگار ملت ایران را سیاه کرده و با بازگذاشتن دست اسرائیل در تمام شئون اقتصادی، سیاسی و نظامی، اقتصاد کشور را به ورشکستگی کشانده و استقلال ما را به سقوط و نابودی تهدید می‌کند...»

به دنبال نشر این اعلامیه و ادامه سخنرانی‌های انقلابی آیت‌الله مروراید در مساجد و مراکز مختلف، او دوباره دستگیر شد و به زندان رفت و این نوع فشارها و تضییقات، برضد وی تا پیروزی انقلاب اسلامی به‌طور متعدد تکرار گردید...

پیروزی انقلاب اسلامی

... پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله مروراید روشی اعتدالی در پیش گرفت و در همین راستا، با تندروی‌های بعضی از عناصر مبارز، مخالفت کرد و موضع‌گیری‌های وی در قبال چگونگی انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی از همین روش سرچشمه می‌گرفت. البته در آغاز فعالیت‌های گسترده سیاسی و تشکیل حزب جمهوری اسلامی هم او به مخالفت با خط مشی حزب و روشی که دوستانش در پیش گرفته بودند، پرداخت و از عدم اطلاع یا حضور خود وی در تشکیل حزب، گله‌مند شد.

مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای درباره عدم حضور آیت‌الله مروراید و دیگران، در تأسیس حزب را چنین توجیه یا تبیین می‌کند: «... فقط يك نکته وجود داشت و آن اینکه ما نمی‌خواستیم در شورای مرکزی که حدود ۳۰ نفر بودند، روحانیون زیاد باشند که حزب، حزب آخوندی تلقی شود. می‌خواستیم از همه گروه‌ها، از دانشگاهی‌ها، کارمندا، بازاری‌ها، کارگرها و زنها، باشند. به عنوان نمونه دو خانم را در شورای مرکزی پذیرفتیم. فضا محدود بود، دنبال این نمی‌رفتیم که از این سطح نیرو جذب کنیم. غیر از شهیدمطهری، شهیدمفتح و آقای مروراید و مرحوم لاهوتی هم نبودند. خیلی از همکاران مبارز مثل آقای ربانی املشی و دیگران هم نبودند. می‌شد همه اینها بیایند که بعداً بعضی‌ها آمدند. ما اصراری نداشتیم که افراد روحانی در آنجا زیاد شوند...»

پس از این ماجراها و در جریان اختلاف بین حزب جمهوری اسلامی و رئیس‌جمهوری وقت، او همراه عده‌ای جانب بنی‌صدر را گرفت؛ ولی پس از تصویب لایحه عدم کفایت و صلاحیت بنی‌صدر در مجلس شورای اسلامی، آیت‌الله مروراید به‌کلی از «سیاست روز» کنار رفت و به کار علمی، فرهنگی شایسته‌ای پرداخت و مؤسسه‌ای تحت عنوان «بنیاد فرهنگ انقلاب اسلامی» تأسیس نمود که آثار ارزشمندی را در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه مسائل فقهی منتشر ساخت.

البته او قبلاً نیز برای نشر فرهنگ و اندیشه اسلامی در «قم» مؤسسه‌ای به نام «دار الفکر» تأسیس کرده بود که کتاب‌های مفید و به زبان روز را منتشر می‌ساخت...

شاهکار علمی، فرهنگی

فقه‌های پیشین احادیث فقهی را در مجموعه‌های ارزشمندی چون «تهذیب»، «فروع کافی»، «استبصار» و «وسائل الشیعه» جمع‌آوری و در اختیار دانشوران قرار داده بودند؛ ولی در مورد

متون فقهی و فتواهای استدلالی، جمع‌آوری کامل و نشر آن به شکل يك «موسوعه» یا دائرةالمعارف ارزشمند، کاری انجام نشده بود و مرحوم آیت‌الله علی‌اصغر مروراید با همکاری برادرش مرحوم شیخ محمدتقی مروراید، دائرةالمعارف پربهای را تألیف و تنظیم نمود و تحت عنوان «الینایع الفقهیه» منتشر ساخت و با توجه به اینکه در آن برهه، امکان جمع‌آوری متون چهل مجلد از کتب فقهی علمای پیشین، از قرن سوم تا نهم هجری، با اینترنت و وسائل مجهز عصر وجود نداشت و ایشان همراه برادرش و چند نفر از پژوهشگران، با تلاشی خستگی‌ناپذیر و قابل تقدیر و تقدیس، همه ابواب فقهی

را از ۲۰ مؤلف جمع‌آوری و تنظیم و دسته‌بندی نموده و در چهل مجلد منتشر ساخته است. با توجه به اینکه با این اقدام همه ابواب فقهی کتب فقهی مختلف به‌طور منسجم و در کنار هم قرار گرفته و پژوهشگران متون فقهی از مراجعه به متون متفرقه و یافتن فتوای مورد نظر، بی‌نیاز می‌کند، از ارزش بالایی برخوردار است.

تقریب بین مذاهب اسلامی

آیت‌الله مروراید در راستای ایجاد تقریب بین مذاهب اسلامی، علاوه بر تبویب و تنقیح ۴۰ جلد از کتب فقهی علمای شیعه و تطبیق نسخ چاپی با نسخه‌های خطی و تصحیح کامل آنها، به جمع‌آوری کتب فقهی علمای اهل سنت هم اقدام نمود و در این راستا ۲۰ جلد از کتابهای معتبر آنها را زیر عنوان «المصادر الفقهیه العشرین» جمع‌آوری کرد تا علمای همه فرق و مذاهب اسلامی، بدانند که اصول و حقیقت مذاهب فقهی یکسان است و اختلافاتی که موجب تفرق و تشتت و خدای نکرده دشمنی بین اصحاب مذاهب بشود، در میان فتاوی و کتب فقهی شیعه و سنی وجود ندارد، بلکه وحدت منسجمی که نشان‌دهنده وحدت عقیده و وحدت تشریع است، در بین آنها وجود دارد؛ ولی البته این امر، مانع از وجود اختلاف رأی و اجتهاد در بین علمای مذاهب اسلامی نمی‌شود و به اصول و مبانی کلی عقیدتی طرفین، صدمه‌ای نمی‌رساند و در واقع این موسوعه کامل (الینایع و المصادر) در ایجاد وحدت حقوقی، فقهی مسلمانان و شناخت و شناسایی عقاید طرفین، کمک شایانی می‌کند و به‌طور علمی، عملی نشان می‌دهد که اختلافی در اصول «تشریع» و «عقیده» وجود ندارد.

کتاب معروف «الخلاف» و کتاب «الفقه علی المذاهب الاربعه» به‌خوبی نشان می‌دهد که اختلاف فقهی علمای بزرگ فریقین ناشی از اجتهاد بزرگان عرصه فقه است و حتی روشن می‌شود که موارد اختلاف فقهی، در بین «مذاهب چهارگانه» اهل سنت، بسیار زیاده‌تر از اختلافات فقهی با شیعه است!

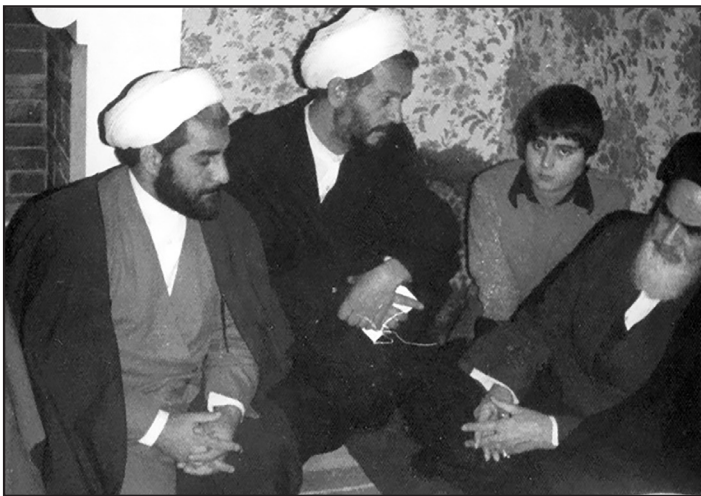
برای روشن شدن اهمیت علمی الینایع و المصادر فقط به ذکر اسامی کتابهای جمع‌آوری شده در این موسوعه بسنده می‌کنیم:

الف) المتون الفقهیه للموسوعه (کتب فقهی شیعه):

۱. فقه‌الرضا، ۲. المقنع، ۳. الهدایه، ۴. المقنعه، ۵. الاشراف، ۶. جمل‌العلم، ۷. الانتصار، ۸. المسائل الناصریات، ۹. الکافی فی الفقه، ۱۰. النهایه، ۱۱. الجمل و العقود، ۱۲. الاقتصاد، ۱۳. الخلاف،

به مناسبت چهلمین روز درگذشت آیت‌الله علی‌اصغر مروراید

مروراید مبارزه



نوفل لوشاتو - آیت‌الله مروراید نفر دوم از سمت چپ

۱۴. المبسوط، ۱۵. المراسم‌العلویه،

۱۶. جواهرالفرقه، ۱۷. المذهب، ۱۸. فقه‌القرآن، ۱۹.

الغنیه، ۲۰. الوسيله، ۲۱. اصباح‌الشیعه،

۲۲. السرائر، ۲۳. اشاره‌السبق، ۲۴. شرایع‌الاسلام،

۲۵. المختصر‌النافع، ۲۶. الجامع‌للشرايع،

۲۷. نزاه‌الناظر، ۲۸. قواعد‌الناظر، ۲۹.

تبصره‌المعلمین،

۳۰. ارشاد‌الأذهان، ۳۱. تلخیص‌المرام، ۳۲.

الرساله‌الفخریه،

۳۳. اللمعه‌الدمشقیه، ۳۴. الدروس‌الشرعیه،

۳۵. البیان، ۳۶. الألفیه، ۳۷. النقیله، ۳۸.

المحرر،

۳۹. الموجز‌الحاوی، ۴۰. مسائل‌ابن‌طی.

ب) سلسله‌المصادر الفقهیه (کتب فقهی اهل سنت):

۱. المختصر فی فروع‌الحنفیه، ۲. بدائق‌الصنایع فی ترتیب‌الشرايع،

۳. الهدایه فی شرح‌بدایه‌المبتدی، ۴. مختصر الوقایه‌اول‌التقایه،

۵. المدونه‌الکبری، ۶. متن‌الرساله، ۷. الکافی فی فقه‌اهل‌المدينه،

۸. بدایه‌المجتمد و نهایه‌المقتصد، ۹. القوانين‌الفقهیه،

۱۰. مختصرخلیل، ۱۱. الأم، ۱۲. مختصر‌المزنی، ۱۳. المذهب، ۱۴. متن‌ابی‌شجاع، ۱۵.

منهاج‌الطالبین،

۱۶. التذکره فی‌الفقه‌الشافعی، ۱۷. الحاوی للفتاوی،

۱۸. عمده‌الفقه، ۱۹. المقنع فی فقه‌ابن‌حنبل، ۲۰.

الکافی فی فقه‌ابن‌حنبل.

در واقع این مجموعه با این تقسیم‌بندی موضوعی که همه اقوال و فتاوی و آرای فقها بزرگ را یکجا جمع و تنظیم کرده، هدف اصلی آقای مروراید و همکاران‌شان را برآورده می‌سازد و البته جمع‌آوری و تبویب چهل کتاب فقهی که بعضی از آنها جزو «مخطوطات» بود و یا چاپ شایسته‌ای نداشت و باز تطبیق آنها با نسخه‌های خطی موجود، اقدام سهل و ساده‌ای نبود و حدود بیست سال، به‌طور شبانه‌روزی، روی آنها کار شده بود و در نهایت، محصول زحمات و تلاش‌های فقه‌های بزرگ ده قرن گذشته را در مجموعه‌ای دایره‌المعارفی، در اختیار علاقه‌مندان به فقه و فقاقت قرار داده است.

مجموعه «سلسله الینایع الفقهیه» (در ۴۰ جلد) و مجموعه «المصادر الفقهیه» به‌ضمیمه کتاب معروف و ارزشمند «مفتاح‌الکراخه» و «مسائل‌الفقه و موضوعاته» و چند کتاب فقهی دیگر، تجمیع و یکجا، در يك دوره صدوده جلدی «فقه شیعه و سنی» به شکل فاخری آماده گردیده و البته

متأسفانه به علت چاپ آن در بیروت و گرانی قیمت دوره کامل، تهیه کتاب برای بسیاری از اهل علم و فضل مقدور نگردیده است! در پایان بی‌مناسبت نیست اشاره کنم که آیت‌الله مروراید، روش اعتدالی خود را در مورد مسائل اختلافی روز هم ادامه داد و برای نمونه برخورد وی درباره اختلاف بین مراجع بود. آقای مروراید در پاسخ این سؤال که «نگاه آیت‌الله شریعتمداری به نهضت چگونه بود»، می‌گوید: «ایشان در مجموع با شیوه‌های امام موافق نبود. بنده به حرف‌هایی که له و علیه ایشان زده می‌شود، اهمیتی نمی‌دهم. ایشان می‌دانست که من طرفدار آقای خمینی هستم و سعی می‌کرد با من گرم بگیرد، حتی يك روز نامه‌ای را به من نشان داد که یعنی آقای خمینی از تبعید برای من نامه فرستاده، حرف حساب تو چیست؟... در ماجراهایی هم که پیش آمد، بنده نمی‌توانم مثل خیلی‌ها دینم را بفروشم و به ضرس قاطع بگویم که سوءنیتی در کار بوده. شاید ایشان فکر می‌کرد با روش ایشان بهتر می‌شود کارها را پیش برد، قضاوت درباره رویدادهای تاریخی را باید به زمان واگذار کرد. حکم صریح و قاطع صادرکردن، معمولاً انسان را به نتایج صحیح نمی‌رساند...» (مصاحبه محمدرضا کاینی با آقای مروراید، روزنامه جوان، مورخ شنبه، ۲۱ مرداد ۱۳۹۶، ص ۹).

غفرالله له و لنا و لمن سبقونا بالایمان.

جلد سوم مجموعه «فقه نظام

سیاسی اسلام» منتشر شد

انتشارات مجمع‌الفکر الاسلامی، جلد سوم کتاب فقهی «فقه نظام سیاسی اسلام» نوشته آیت‌الله محسن اراکی را با موضوع تأسیس حکومت اسلامی منتشر کرد.

آیت‌الله اراکی در ابتدای این کتاب که متن دروس خارج فقه نظام ایشان است، با مباحثی با عنوان تلازم پیدایش جامعه و حکومت، تاریخ پیدایش حکومت و دولت در جامعه بشر، قوانین کلی حاکم بر ثبات و تغییر حکومت‌ها و جوامع، کتاب خود را آغاز می‌کند و در بخش‌های بعدی در مورد وجوب تأسیس حکومت عدل و دلایل آن بحث خود را ادامه می‌دهند و در بخش آخر به دو عنصر بنیادین حاکمیت و یعنی مشروعیت و قدرت و مباحثی که حول آن وجود دارد را به تحقیق و بررسی می‌پردازند.

مؤلف در این جلد از کتاب به قسمت دوم قواعد خاصه دلالت وضعی لفظی که قواعد خاصه دلالت در هیئات است پرداخته و بیان داشته که هیئات بر سه قسم هستند؛ ۱- هیئات مفردات، ۲- هیئات مرکبات ناقصه، ۳- هیئات مرکبات تامه.

کتاب «فقه نظام سیاسی اسلام» که تا کنون سه مجلد آن به زیور طبع آراسته شده است متن درس خارج فقه نظام آیت‌الله محسن اراکی است که جلد سوم آن با موضوع تأسیس حکومت اسلامی، روزهای گذشته به وسیله انتشارات مجمع‌الفکر الاسلامی در ۲۴۴ صفحه از زیر چاپ خارج شده و آماده استفاده محققین عرصه فقه حکومتی است، البته جلد دوم این کتاب نیز با موضوع فلسفه سیاسی به همت انتشارات مجمع‌الفکر الاسلامی به تجدید چاپ رسید.

عراق ۲۶ نوامبر ۲۰۱۶ با اکثریت آراء «الحشد الشعبی» را بخشی رسمی از نیروهای مسلح عراق اعلام کرد. حشد الشعبی که به بسیج عراق معروف است متشکل از حدود چهل گروه و جریان سیاسی نظامی است. ساختار و بدنه حشد الشعبی را شیعیان عراق تشکیل می‌دهند، اما برخی عشایر سنی عراق از استان صلاح‌الدین، نینوا، انبار و نیز زیدی‌ها و مسیحیان عراقی نیز به آن ملحق شده اند. هدف از تشکیل این ائتلاف مبارزه با داعش، دفاع از تمامیت ارضی عراق و ترمیم نقاط ضعف حاکمیت ذکر شده است.

اهمیت نقش آیت الله سیستانی در فتوای تشکیل حشدالشعبی از دو لحاظ قابل توجه است. اول؛ نفوذ اجتماعی و سیاسی و همچنین فهم عالمانه و عمیق ایشان در فتوای تشکیل ساختار این گروه مردمی و دوم؛ ارائه محتوای معنوی طرز جنگیدن در میدان نبرد و آموزه‌های اسلامی جهاد است.

ایشان همزمان با اوج گیری درگیری‌ها در عراق بین ارتش و نیروهای مردمی از یک سو و تروریست‌های داعش از سوی دیگر، طی فرمانی به رزمندگان عراقی، توصیه‌های لازم برای تحقق جهاد واقعی را در قالب ۲۰ فرمان صادر کردند و از آنان خواستند که در نبرد با داعش از حدود دستورات دین تجاوز نکنند.

هنگامی که به مقایسه توصیه‌های آیت الله سیستانی و فتاوی سرکردگان گروه‌های تکفیری می‌پردازیم؛ حقانیت و چهره واقعی اسلام خود را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

در فرامین آیت الله سیستانی که برگرفته از احادیث و آیات قرآن است؛ مثله کردن و جسارت به اجساد، کشتن پیران فوتوت و کودکان و زنان، قطع درختان، تعرض به خانه‌ها و منازل، تعرض به غیرمسلمانان حرام اعلام شده است. طبق فرمان ششم؛ هرکس شهادتین بگوید مسلمان است و خون و مال او محترم است حتی اگر گمراه و بدعت گذار باشد.

این در حالی است که ابوعبدالله مهاجر تئوریسین مهم گروه‌های تروریستی در کتاب «مسائل من فقه الجهاد» خود معروف به فقه الدماء (فقه خون) که شامل ۵۷۴ صفحه و ۲۰ فصل تماماً مربوط به جهاد است؛ کل جغرافیای دارلکفر را دارالحرب می‌داند. یعنی هرکسی که کافر است در موقعیت جنگ است و می‌توان او را ترور کرد. خواه نظامی باشد خواه غیر نظامی. اثرات آموزه‌های مهاجر و امثال او را می‌توان در انتشار سفاکانه فیلم‌های مثله کردن و تعرض به اجساد شهدا و بسیاری از انواع جنایت‌های دیگر مشاهده کرد.

منابع:

۱. قربانی شیخ، ارسلان بشیری، سعید و جواد علیزاده (۱۳۹۴)، «نقش مرجعیت آیت الله سیستانی در روند دولت سازی در عراق پس از سقوط صدام».
۲. حاجی یوسفی، امیر محمد، عارف نژاد، ابوالقاسم «نشانه‌شناسی گفتمان در اسلام سیاسی و مردم سالار آیت الله سیستانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره چهارم، صص ۷۴-۴۱.
۳. شفاعی، امان الله، بهروزی لک، غلامرضا (۱۳۹۳)، «نقش امام موسی صدر و آیت الله سیستانی در انسجام سیاسی جامعه چند فرهنگی لبنان و عراق»، علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره شصت و سوم، صص ۸۴-۱۰۸.
۴. غریبی، محسن، (۱۳۹۵)، ریشه‌های بحران در منطقه غرب آسیا، قابل دسترسی از طریق: <http://www.fardanews.com/fa/news/619546>
۵. فرمان -آیت-الله-سیستانی-به-رزمندگان-برای-جنگ-با-داعش، قابل دسترسی از طریق: <https://www.mashreghnews.ir/2013/08/29/news>

محسن غریبی: کارشناس غرب آسیا

نقش مرجعیت آیت الله سیستانی در مدیریت بحران عراق

نباید تحت تسلط اجنبی فعالیت کنند». **نگرش آیت الله سیستانی نسبت به فرایند دولت سازی:**

دیدگاه‌ها و مواضع آیت الله سیستانی در فرایند دولت-ملت سازی و شکل گیری نظام سیاسی نوین عراق نشان داده است که ایشان رسالتی سیاسی برای اسلام قائل است. البته منش و استراتژی آیت الله سیستانی همواره اعلام نظر نسبت به مباحث کلان کشور عراق بوده و ایشان همواره از ورود به مسائل جزئی دوری جسته‌اند.

انتخابات آزاد و فراگیر و استقرار یک حاکمیت ملی متکی به آراء مردم شعاری بود که آیت الله سیستانی مطرح و به عنوان آلترناتیو سیستم بعث با استقبال گسترده مردم مواجه شد.

تاکید بر شرکت مردم در همه پرسی قانون اساسی و تاکید بر مشارکت شهروندان عراقی در اولین و دومین انتخابات مجلس این کشور و تشکیل دولت مهمترین محورهای مردم سالاری را در اندیشه آیت الله سیدعلی سیستانی نشان می‌دهد.

آیت الله سیستانی از همان ابتدای اشغال عراق خواهان برگزاری انتخابات آزاد و سراسری شدند و از این لحاظ اشغالگران آمریکایی را تحت فشار قرار دادند. این در حالی بود که پل برمر حاکم آمریکایی عراق ابتدا با بهانه نبود شرایط مساعد مخالف برگزاری انتخابات بود. اما بعد از فتوای آیت الله سیستانی، او پیگیر برگزاری انتخابات به شکل غیرمستقیم و با تشکیل فراکسیون‌های قومی، مذهبی، ملی و محلی مورد تأیید آمریکا شد و انتخاب نویسندگان قانون اساسی عراق را بر عهده همین فراکسیون‌ها گذاشت.

البته تاکید آیت الله سیستانی در این دوران بر «مکانیزم انتخابات سراسری بر اساس لیست باز» بود و از نگاه ایشان سیستم انتخاباتی باید توانایی تجلی اراده‌های مختلف را به همراه آورد.

ایشان در آستانه اولین انتخابات آزاد در این کشور در سال ۲۰۰۴، برای اینکه تمام اقوام و طوایف عراق سهمی در سیاست این کشور داشته باشند، با صدور فتوایی شرکت در انتخابات را واجب دانستند و از مردم عراق خواستند در تحقق آن به بهترین وجه مشارکت کنند.

آیت الله سیستانی در خصوص قانون اساسی اعلام کردند: تنها افرادی شایسته تنظیم قانون اساسی جدید عراق هستند که به طور مستقیم توسط مردم عراق انتخاب شده باشند. سپس قانون اساسی باید توسط آنها تنظیم شود و نهایتاً به همه پرسی گذاشته و به تأیید مردم عراق برسد. تسلط علمی آیت الله سیستانی در تدوین قانون اساسی کشور عراق و مطالعات تطبیقی ایشان در مورد قوانین اساسی سایر کشورها و استفاده از تجربیات آنها؛ از جمله تلاش‌های ماندگار ایشان در تدوین قانون اساسی و به خصوص گنجاندن اسلام به عنوان دین رسمی کشور و منبع تدوین قوانین این کشور بوده است.

مجاهدتی که منجر به ناکامی آمریکا در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۳ در مورد تعیین کمیته‌ای برای تدوین قانون اساسی شد. در واقع اقدامات آمریکا فاقد مشروعیت لازم تلقی شد و مقامات آمریکایی نتوانستند مدل لیبرال دموکراسی مورد نظر خود را در قالب «قانون اساسی نوین عراق» بر این کشور تحمیل کنند و در نهایت مجبور به پذیرش اسلام سیاسی مردم سالار در این زمینه شدند.

حشدالشعبی؛ منجی سرزمین عراق:

با ظهور بی ثباتی در عراق و شکل گیری گروه تروریستی داعش، خشونت و رعب و وحشت موجب تسلط این گروه تروریستی بر بخش‌های زیادی از خاک عراق شد. بسیج مردمی (الحشد الشعبی) که متشکل از گروه‌های مختلف عراقی است، در پی فتوای جهاد آیت الله سیستانی و همزمان با سقوط شهر موصل در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ تشکیل شد. پارلمان

شخصیتی نداشته و وظیفه محور است. از این رو با مبانی اعتقادی اکثریت قریب به اتفاق مردم عراق سازگار است.

در گفتمان آیت الله سیستانی، منابع و ثروت‌های عراق به تمامی اقوام و مذاهب عراقی تعلق دارد و هرگونه مدل سیاسی و اداری باید به نحوی تنظیم شود که منجر به توزیع عادلانه ثروت‌ها شود. از این رو آیت الله سیستانی به وحدت کل عراق اعتقاد راسخ دارند.

آیت الله سیستانی همواره به دنبال فراهم ساختن زمینه‌های مشارکت تمام مذاهب اسلامی و غیراسلامی و اقوام مختلف عراق بوده‌اند و دیدگاه‌های فرا مذهبی و رویکردهای ضدقوم گرایانه ایشان از عواملی بوده است که دشمنان وحدت عراق نتوانسته‌اند از ایشان به عنوان ابزاری برای ایجاد اختلاف در میان مردم عراق بهره‌مند شوند. چه بسا دیدگاه‌های ایشان باعث شده است تا نه تنها شیعیان؛ بلکه گروه‌هایی از اهل تسنن، ترکمن‌ها، کردها و مذاهب مسیحی عراق پیرو دیدگاه‌های وحدت گرایانه ایشان شوند.

دیدگاه‌های وحدت‌گرایانه ایشان در حوادث و مواقع حساس تاریخ عراق راهگشای مشکلات بوده است. با سقوط صدام که اقتدار گروه اقلیت اعراب سنی مذهب از بین رفت و زمینه اقدامات انتقام جویی و تلافی جویانه شیعیان فراهم شد؛ آیت الله سیستانی در این زمان حکومت عراق را به حفظ امنیت تمامی مردم عراق صرف نظر از وابستگی‌های نژادی و مذهبی و فکری مکلف کرد. و یازمانی که تروریست‌ها به حرم امامین عسکریین (ع) حمله کردند و این موضوع احساسات میلیون‌ها شیعه را برانگیخت، آیت الله سیستانی به رغم همه فشارها همچنان بر اصول تفاهم و ایجاد عراقی واحد و مستقل تاکید نمودند و از شیعیان خواستند اقدامی تلافی جویانه علیه گروه‌های تروریستی که خود را منافقانه از اهل سنت معرفی می‌کردند؛ نداشته باشند.

حکم و فتوای ایشان در باب حفظ وحدت اینگونه است که: لعن کردن به خلفای سه گانه و اهانت به مقدسات مذهبی دیگران و یا هر نوع رفتار و گفتار دیگری که سبب ایجاد تفرقه و آدم کشی میان مسلمانان می‌گردد، حرام است و از این نوع اهانت به مقدسات دیگران باید خودداری شود.

ایشان در پیام خود به همایش علمای سنی و شیعه در شهر نجف در باب وحدت مسلمانان چنین بیان می‌کنند: «بنده بارها گفته و باز هم می‌گویم که نگویند سنی‌ها برادرانمان هستند؛ بلکه آنها نفس و جان ما هستند»

حفظ وحدت؛ راهکار مبارزه با اجنبی

مرجعیت دینی تشیع در طول بیش از یک قرن گذشته تاریخ سیاسی عراق همواره پیشتاز مبارزه با استعمار بریتانیا و سپس ایالات متحده بوده است. به اعتقاد آیت الله سیستانی وحدت داخلی عراق و وحدت جهان اسلام چاره مبارزه با دشمنان اسلام و مسلمین است. شیوه مبارزه ایشان در مقابله با دشمنان خارجی و اجنبی‌ها مبتنی بر حفظ وحدت ملی، حمایت از هویت دولت و ثبات حکومت و پرهیز از تک‌روی و اقدامات خودسرانه است.

به عنوان مثال؛ در سال ۲۰۰۴ پس از سه هفته درگیری شدید بین شبه نظامیان سپاه مهدی و نیروهای آمریکایی و عراقی در نجف، آیت الله سیستانی به میانجی‌گری و آتش بس با مقتدا صدر پرداخت. ایشان با انتشار بیانیه‌ای اعلام کردند که پلیس و نیروهای قبیله‌ای باید عهده دار تأمین امنیت جامعه باشند و دیگر نیروهای درگیر باید از این شهر خارج شوند.

به عقیده ایشان «کشور عراق باید به دست ملت عراق و بهترین فرزندان عراق اداره شود و غیرعراقی حق دخالت در سرنوشت عراق را ندارد و مردم عراق

کشور عراق بر اساس توافقات کشورهای پیروز در جنگ جهانی اول و طی قرارداد ۱۹۲۰ سیور شکل گرفت. عراق از نظر اجتماعی دارای بافت موزاییکی و متشکل از گروه‌های قومی-فرقه‌ای متعدد است. ماهیت سه گانه جمعیتی و سیاسی این کشور همواره زمینه‌های بالقوه تنش و جدایی را دربر داشته است. منازعات در عراق همواره به دو شکل قومی (کردی-عربی) و منازعات مذهبی (شیعه- سنی) بوده است.

به همین دلیل عراق از جمله کشورهای منطقه غرب آسیاست که دولت-ملت سازی به معنای واقعی آن شکل نگرفته و وابستگی به هویت‌ها و فرهنگ‌های قومی و محلی از احساس تعلق به واحدهای ملی بیشتر است. علاوه بر این، عامل درونی- که البته خود حاصل مرز بندی‌های نامتجانس استعماری انگلستان در پس از جنگ جهانی اول بوده است- دخالت و حضور مستقیم عوامل خارجی و این بار از سوی آمریکا فرایند دولت-ملت سازی و وحدت سرزمینی را دچار اختلال کرده است.

از جمعیت ۳۲ میلیونی عراق، شیعیان ۶۰ تا ۶۵ درصد، اهل تسنن ۳۲ تا ۳۷ درصد و مسیحیان و سایر ادیان ۳ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و از حیث قومیتی، عربها ۷۰ تا ۷۵ درصد، کردها ۱۵ تا ۲۰ درصد و ترکمن‌ها، آشوری‌ها و غیره نزدیک به ۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. در سال‌های متمادی شیعیان به رغم اینکه تمام لوازم تأسیس منطقه فدرالی و یا حتی استقلال را از نظر جمعیت و سرزمین مرغوب و مناطق نفتی بصره در جنوب حتی بیش از کردها داشته‌اند همواره طرفدار حاکمیت سرزمینی عراق بوده‌اند. البته پشتوانه این خواسته منبعث از نگاه مراجع دینی بوده است.

نقش علمای شیعه به خصوص در سه مقطع تاریخی بسیار با اهمیت است که به بخش سوم آن می‌پردازیم. ۱. شکل گیری کشور عراق پس از فروپاشی عثمانی و مبارزه با بریتانیا، ۲. حمله آمریکا به عراق پس از حمله صدام به کویت در سال ۱۹۹۱، ۳. حمله آمریکا با عراق در مارس ۲۰۰۳ (۱).

ظهور مرجعیت آیت الله سیستانی:

آیت الله سیستانی در سال ۱۳۴۹ ه.ق در مشهد متولد شد. در سال ۱۳۶۰ ه.ق آموختن مقدمات علوم حوزوی را در مشهد آغاز و سپس در سال ۱۳۶۸ ه.ق به قم مهاجرت کرد و در محضر آیت الله بروجرودی بهره مند شد. آیت الله سیستانی در سال ۱۳۷۱ ه.ق از قم به نجف اشرف مهاجرت کرد و در جلسات دروس آیت الله خویی، شیخ حسین حلی، آیت الله حکیم و آیت الله شاهرودی حاضر شد. در سال ۱۳۸۰ ه.ق تصمیم مراجعت به مشهد گرفت و آیت الله خویی درجه اجتهاد وی را مکتوب کرد. ایشان در سال ۱۳۸۱ ه.ق بار دیگر از وطن به نجف بازگشت و شروع به تدریس نمود.

بعد از وفات آیت الله خویی در سال ۱۹۹۲ بسیاری از مقلدین آیت الله خویی، به توصیه وی عمل کرده و آیت الله سیستانی را به عنوان مرجع تقلید خود انتخاب کردند. جامع نگرایی آیت الله سیستانی که به دلیل تحصیل ایشان در سه حوزه مشهد، قم و نجف بوده است؛ از عوامل اصلی برجستگی شخصیت علمی ایشان می‌باشد.

هندسه گفتمانی آیت الله سیستانی:

جایگاه آیت الله سیستانی در جامعه عراق ناشی از سه عامل مشخص است که عبارت‌اند از: جایگاه حوزه علمیه نجف در عراق، به رسمیت شناخته شدن اعلامیت آیت الله سیستانی و موضع گیری مردم سالارانه ایشان در روند تحولات این کشور.

گفتمان اسلام سیاسی مردم سالار آیت الله سیستانی گفتمانی توحیدی است که دال برتر آن را «اسلام و رضایت عامه» تشکیل می‌دهد و در مورد تشکیل دولت و اداره امور تأکیدی بر ویژگی‌های

در پی شدت یافتن اقدامات تروریستی و انتحاری علیه شیعیان، خبرگزاری اهل بیت (ع). اپنا. گفتگوی مفصلی با حجت الاسلام والمسلمین «سید عیسی حسینی مزاری» عضو افغانستانی مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت (ع) انجام داد.

ایشان که از روحانیون فعال سیاسی و فرهنگی افغانستان محسوب می شود ریاست «مرکز فعالیت های فرهنگی اجتماعی تبیان» را بر عهده دارد. روزنامه «انصاف» و «خبرگزاری صدای افغان (آوا)» نیز دو رسانه مهم افغانستان هستند که زیر نظر آقای حسینی مزاری فعالیت می کنند. صاحب به آقای مزاری را بخوانید:

در برهه اخیر، شاهد رشد حملات انتحاری و اقدامات تروریستی به مرکز عبادی و تجمعات پیروان مذهب اهل بیت (ع) در افغانستان هستیم. لذا به عنوان سؤال اول بفرمایید که وضعیت شیعیان افغانستان پس از روی کار آمدن حکومت وحدت ملی چگونه است؟ به عبارت دیگر، نسبت به دوره های ریاست جمهوری آقای «حامد کرزی» اوضاع شیعیان افغانستان را چطور ارزیابی می کنید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. وضعیت شیعیان در دولت کنونی افغانستان نسبت به گذشته بدتر شده است! گرچه در زمان آقای کرزی نیز از وضعیت خیلی مناسبی برخوردار نبود، اما در شرایط موجود، وضعیت خراب تر از گذشته شده است.

خرابی وضعیت شیعیان افغانستان دو عامل اصلی دارد: ابتدا خود شیعیان! شخصیت های برجسته و احزاب شیعی که تاکنون تحت یک برنامه مناسب و منسجم در رابطه با بهبود وضعیت شیعیان افغانستان کاری نکرده و در غفلت و سهل انگاری به سر می برند اولین عامل این مشکلات هستند.

دوم هم عوامل غیر شیعه هستند. یکی از این عوامل، خود حکومت وحدت ملی و شخص آقای اشرف غنی است. وی نزدیک به سه سال گذشته، نه تنها تعامل مثبتی با شیعیان افغانستان نداشته که روند کار و نوع برخورد او در راستای تضعیف شیعیان و ایجاد اختلاف میان گروه های مختلف شیعه بوده؛ یعنی گاهی یک جناح در برابر جناح دیگر شیعه مورد استفاده قرار گرفته و این وضعیت ادامه دارد.

شیعیان پاکستان دولت این کشور را متهم می کنند که پشت پرده حملات تروریستی به مناطق و مراکز شیعی حضور دارد. آیا این اتهام را درباره آیا دولت افغانستان هم می توان تصور کرد؟

خیر؛ دولت افغانستان را به دست داشتن مستقیم در حملات انتحاری و مسلحانه متهم نمی کنیم؛ اما دولت در راستای عدم انسجام جامعه شیعه افغانستان متهم است. آنها در برخورد با شیعیان، تلاش کرده دوگانه عمل کند و اختلاف ایجاد نماید. از طرف دیگر، دولت برای پیگیری جدی و مقابله با حملات و عملیات تروریستی علیه شیعیان، از جذبیت و قاطعیت قابل توجهی برخوردار نیست. مثلاً هنگامی که در منطقه «میرزا ولنگ» نسل کشی رخ داد، اشرف غنی و دولت به صورت قاطع وارد عمل نشده و تا نزدیک به یک هفته، برای بازپس گیری منطقه و رسیدگی به خانواده های شهدا و آوارگان، کاری صورت ندادند.

دولت افغانستان در این گونه قضایا با تعلل برخورد می کند و این نوع برخورد، از نگاه صاحب نظران، به نوعی دست داشتن در این رویدادها تلقی می شود.

مدتی است که ترور روحانیون شیعه نیز در کشور افغانستان آغاز شده است.

این ترورها تا کنون تنها در ولایت «هرات» رخ داده و در سایر ولایات، مواردی از این دست دیده

نشده است. هرات خاستگاه وهابیت در افغانستان است و گروه های افراطی در این منطقه فعال اند و به صورت علنی فعالیت دارند. یکی از عناصر وهابیت در هرات، فردی به نام «مجیب الرحمن» است که به عربستان وابسته بوده و در نمازهای جمعه به صورت علنی علیه شیعیان تبلیغ می کند. بنابراین می بینیم که ترورهای ولایت هرات، از طرف عناصر وابسته به وهابیت صورت گرفته و می گیرد.

در این راستا، چند تن از علمای شیعه مورد هدف قرار گرفته و شهید شده اند. البته توجه داشته باشید که تعدادی از علمای اهل سنت نیز در هرات مورد هدف قرار گرفته اند که این هم به وجود گروه های افراطی در هرات برمی گردد. در اینجا دوباره باید از حکومت محلی هرات و دولت مرکزی افغانستان انتقاد کنیم که تاکنون کوچکترین سرنخی از عوامل ترورها در ولایت هرات را به دست نیاورده اند و پرونده ترور شخصیت های دینی را مورد پیگیری جدی قرار نداده اند!

آیا راه هایی برای اعمال فشار بر دولت افغانستان برای تعقیب جانیان و تروریست ها وجود دارد؟

بله؛ اما خود شیعیان در افغانستان ضعیف عمل می کنند. روحانیت شیعه هم از سطوح بزرگ تا کوچک، کاملاً در یک وضعیت انفعالی قرار دارند. وقتی یک روحانی نتواند بر اساس وظیفه ای که دارد، وارد صحنه شود، باید لباس روحانیت را کنار بگذارد. امروز افغانستان به روحانی «انقلابی» و «مجاهد» نیاز دارد که در وسط میدان، به وظیفه خود عمل کند. اولین طیفی که در رابطه به مسائل افغانستان مسئولیت دارد، روحانیت است. اگر اوضاع افغانستان بخواهد تغییر کند، نقش روحانیت در آن برجسته است. مردم افغانستان واقعاً مطیع روحانیت هستند و از آنها حرف شنوی دارند، اما روحانیت انجام وظیفه نمی کند.

از سوی دیگر، در سطح احزاب شیعه نیز هماهنگی و همسویی وجود ندارد. حتی گاهی برعکس عمل می کنند و در مسیر تخریب یکدیگر فعالیت دارند!

دومین عامل ثبات یا خرابی وضعیت افغانستان، احزاب و جریان های سیاسی و جهادی هستند. ما از جریان های جهادی و سیاسی توقع داریم که به دین و مردم خدمت کنند؛ اما چنین فعالیتی را نمی بینم.

آیا این جریانها و احزاب شیعه، قدرت فشار بر دولت افغانستان را دارند؟

بله؛ تمام امکانات افغانستان در اختیار احزاب و سازمان های سیاسی و جهادی قرار دارد؛ اما از این امکانات برای سازماندهی نیروهای مردمی و انسجام شیعه استفاده نمی شود. ما مردم متمولی نداریم، اما رهبران جریان های سیاسی و جهادی هر نوع امکاناتی را در اختیار دارند؛ اما متأسفانه نه در جهت فشار به دلت و نه در جهت خدمت رسانی به مردم کاری نمی کنند. مثلاً در ۱۷ سال گذشته، سازمان ها و جریان های شیعه، با وجود این که امکانات خوبی در اختیار داشته اند، اما حتی یک کلینیک و یا یک کیلومتر جاده را در یک منطقه شیعه نشین نساخته اند.

بنابراین، وقتی روحانیت، احزاب و سازمان های وابسته به اهل تشیع افغانستان مسؤولیت خود را انجام ندهند، از یک دولت که تحت سلطه غرب است، نمی توان توقع داشت تا در مناطق شیعه نشین کار بکند.

برای امور رفاهی مردم شیعه، اقدامی نمی شود؟

خیر! از ولایات که بگذریم، حتی در غرب کابل که یک منطقه شیعه نشین است، مردم آب، برق، جاده و کوچه های آسفالت ندارند.

با توجه به این نابسامانی ها در سطح مردم شیعه افغانستان، طبیعی است که شاهد مشکلات روزافزون در جامعه شیعی باشیم. متأسفانه باید گفت که منتظر حوادث خطرناک تری هستیم.

برگردیم به بحث اصلی. ریشه و خاستگاه گروه های تروریستی در افغانستان کجاست؟

بررسی مشکلات شیعیان افغانستان در سال های اخیر

یا سوزاندند. اما در آن زمان امکانات فیلمبرداری، اینترنتی و رسانه ای به اندازه امروز نبود تا آن جنایات رسانه ای شود.

بنابراین برای ما در افغانستان چیزی به نام گروه داعش اهمیت ندارد؛ بلکه مهم «فکر داعش» است که نه تنها در افغانستان، بلکه در هر جایی که آمریکا بخواهد، آن را منتشر خواهد شد.

متأسفانه تفکر افراطی در کشور افغانستان از جایگاه قابل توجهی برخوردار است و فکر نمی کنم حتی اگر علماء سال های سال نیز کار کنند، این تفکر ریشه کن شود. پس در آینده کشور ما، چه گروه طالبان و چه داعش مهم نیستند، بلکه آن اندیشه ای مهم است که موجب قتل عام و نسل کشی در «میرزا ولنگ» می شود.

پس از حمله انتحاری به مسجد جوادیه «هرات»، حادثه کشتار در روستای میرزا ولنگ که یک نسل کشی بود، رخ داد. آنچه در این منطقه به وقوع پیوست یک جنایت وحشتناک و بی سابقه بود. دولت باید علیه گروه های تروریستی که آن جنایت را مرتکب شدند اعلام جرم بین المللی می کرد. باید به سازمان ملل، شورای امنیت و دادگاه های بین المللی شکایت کند تا بر این گروه ها فشار وارد شود. اما متأسفانه واکنش لازم را در این قضیه نشان نداد. **این فاجعه در دنیا هم به اندازه حجم آن، بازتاب پیدا نکرد.**

بله؛ مجامع بین المللی و نهادهای جهانی مدافع حقوق بشر هم پیرامون رویداد میرزا ولنگ کاملاً ساکت بودند. اگر چند نفر محدود در مجله «شارلی ابدو» کشته می شوند، شمع ها برافروخته می شوند و بیانیه ها صادر می گردد؛ اما در میرزا ولنگ افغانستان ده ها تن شهید و تعدادی خانم به اسارت برده می شوند، اما هیچ نهادی واکنشی نشان نمی دهد.

البته به نظر من نه تنها به مجامع جهانی، بلکه حتی به دولت افغانستان هم نباید تکیه کرد. شرایط کنونی، زمان انجام مسئولیت خود مردم افغانستان است.

اکنون، روحانیت افغانستان باید یک صدا و منسجم وارد صحنه شوند. اگر نشوند هم در محضر مردم و هم در روز قیامت پاسخگو خواهند بود. همچنین رهبران احزاب و جریان های جهادی باید هر چه زودتر خود را منسجم کنند و در جهت حفاظت و صیانت از مردم وارد صحنه شوند. آنها باید خود مردم را در برابر گروه های تروریستی سازمان دهند تا حداقل خودشان از جان و مال و ناموس خود دفاع کنند.

شمانش مرجعیت دینی و علماء را در مبارزه با گروه داعش در عراق دیدید. در افغانستان هم علمای بزرگ می توانند به همان شکل وارد صحنه و عمل شوند. کسانی که ادعای مرجعیت دینی دارند، باید در راستای سازماندهی مردم وارد عمل شوند. از سوی دیگر، در افغانستان صدها مسجد وجود دارد و هر روحانی در هر مسجد می تواند بسیار در این زمینه کار کند.

به عنوان سؤال آخر، با توجه به آنچه فرمودید آیا می توان نتیجه گرفت که وحدت شیعه و سنی در افغانستان مطلوب است؟

هدف گروه های تروریستی، کل مردم و کلیت اسلام در افغانستان است. آنها می خواهند اسلام افغانستان را ضعیف کنند و برای آنها شیعه و سنی فرقی ندارد. درست است که حوادثی مانند حملات شب عاشورا به زیارت سخی، مسجد باقرا العلوم (ع) در روز اربعین در کابل، انفجار در تظاهرات جنبش روشنائی، حمله به مسجد الزهراء (س) و مسجد جوادیه و نیز جنایت میرزا ولنگ در ولایت سرپل برای شیعیان رخ داده است؛ اما جنایات و حملات منحصر به آنها نبوده بلکه در کنار پیروان سایر مذاهب مورد حملات تروریستی قرار دارند.

لذا وحدت میان شیعه و سنی در افغانستان مثال زدنی و مستحکم است؛ اما متأسفانه از این ظرفیت برای ایجاد یک جبهه قوی به نفع اسلام و افغانستان استفاده نشده است.

وجود گروه های تروریستی در افغانستان، یک موضوع برآمده از داخل کشور و ناشی از اختلاف دیدگاه ها در آن نیست؛ بلکه دست های بیرونی در کار است. شما به خاطر دارید که گروه القاعده به رهبری «اسامه بن لادن» با پول و امکانات آمریکایی ها در افغانستان تأسیس شد. گروه طالبان نیز پس از این که پاکستان از اعمال نفوذ «حزب اسلامی» در افغانستان ناامید شد، با کمک آمریکا، انگلیس، عربستان سعودی و توسط پاکستان ایجاد شد.

آمریکا چه سودی از وجود طالبان یا القاعده در افغانستان می برد؟

آمریکا همواره به حضور در این منطقه علاقمند بوده است. اما باید جریانی در افغانستان شکل می گرفت که مردم را از اسلام بیزار کند و منتظر یک ناجی از بیرون باشند تا آنها را نجات دهد. لذا طالبان ۵ سال در افغانستان از اقتدار برخوردار بودند؛ تا این که حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد.

دلیل آن حملات هم این بود که تاریخ مصرف القاعده گذشته بود و آمریکا می بایست داشته های خود را برای منافع بزرگتر از دست بدهد. بنابراین به بهانه حملات سپتامبر، بظاهر القاعده و طالبان را پایین کشیدند و حکومت جدید در افغانستان روی کار آمد.

بنابراین ریشه درگیری ها در افغانستان، عقیدتی و دینی نیست؟

خیر! درگیری در افغانستان، در حقیقت یک «جنگ اقتصادی» است.

ممکن است بیشتر توضیح دهید؟

سال ها پیش سازمان های اطلاعاتی و مطالعاتی آمریکا در مورد انتقال قدرت اقتصادی از غرب به شرق هشدار داده بودند. ارکان این قدرت اقتصادی در شرق «چین»، «روسیه»، «هند» و «ایران» هستند. بنابراین آمریکا به دنبال این بوده که جلوی این انتقال قدرت را بگیرد و یا حداقل این چهار کشور را تضعیف کند. پس بحث افغانستان مطرح شد چون در نقطه ای است که بر این چهار کشور اشراق دارد. بر این اساس این مسأله مطرح شد که آمریکا باید در افغانستان مستقر شود و از این کشور اوضاع روسیه، چین، هند و ایران را زیر نظر داشته باشد.

لذا می بینیم که نامانی های افغانستان، ایجاد داعش و همچنین انتقال جغرافیای جنگ از جنوب به شمال کشور، به دلیل تلاش آمریکا برای اشراق بر روسیه است.

همچنین آمریکا به دنبال ناامن کردن مرزهای غربی افغانستان با ایران است. حتی در چین، آمریکا برخی گروه های مسلمان را تشویق می کند که دست به شورش بزنند.

نتیجه اینکه افغانستان فعلاً به خودی خود، مورد توجه قرار ندارد و آمریکا و غرب برای خود افغانستان در این کشور حضور ندارند. اگرچه افغانستان به لحاظ اقتصادی دارای منابع مهم و معادن غنی زیرزمینی است، اما مسأله اساسی که در افغانستان مطرح است، اشراق بر کشورهای منطقه است. افغانستان یک چهارراه اطلاعاتی در منطقه است که برای آموزش و استفاده از گروه های تروریستی علیه این کشورها مورد بهره برداری قرار می گیرد. «ابوبکر البغدادی» رهبر پیشین داعش، همچنین «ابومصعب الزرقاوی» فرمانده قلی القاعده عراق و برخی دیگر از عناصر تروریستی در منطقه، در افغانستان آموزش دیده اند.

برخی گمانه زنی ها حاکی از انتقال گروه داعش به پاکستان و افغانستان پس از شکست در عراق و سوریه است. با توجه به آنچه گفتید، آیا آینده داعشی در افغانستان خواهد بود؟

قبل از این که داعش ظهور کند و جنایات بزرگ جنگی در عراق و سوریه اتفاق بیافتد، جنایاتی به مراتب بدتر در افغانستان رخ داده است. طالبان در زمان حاکمیت خود و سقوط شهر مزارشریف، حمله به بامیان، شمال کابل و... هزاران انسان را قتل عام کردند. آنها حتی درختان میوه را از ریشه کردند

انقلاب اسلامی در حوزه وحدت و تقریب مذاهب اسلامی و منویات مقام معظم رهبری است، بیان داشت: در این مدت حضور مدیریت و تیم جدید چندین تفاهم نامه مهم با دانشگاه های خارج از کشور امضاء کردیم و دیدارها و همکاری های فراوان بین دانشگاهی و علمی با مراکز مختلف در داخل و خارج از کشور انجام دادیم و از همه ابزارها برای معرفی این دانشگاه بی بدیل به دنیا استفاده می کنیم و آینده روشنی را متصور هستیم.

دکتر مختاری همچنین توسعه شعبات دانشگاه در داخل و خارج از کشور را نیز جزو برنامه ها عنوان کرد و افزود: هم اکنون سه شعبه در سمنندج، بندرعباس و زاهدان داریم و مقدمات راه اندازی واحدهای دانشگاه در بوشهر، گلستان، ارومیه و... فراهم شده و در خارج از کشور نیز درخواست و استقبال برای حضور ما و راه اندازی شعبات دانشگاه بسیار زیاد است که در حال بررسی آنها هستیم و از ظرفیت نهادهای مختلف به ویژه رایزنی های فرهنگی کشورمان در کشورهای مختلف برای معرفی دانشگاه استفاده می کنیم.

وی یادآور شد: ایجاد فرصت های مطالعاتی در خارج از کشور برای استادان و دانشجویان دانشگاه، تبادل استاد و دانشجو و همکاری های علمی و پژوهشی با مراکز علمی و دانشگاهی دنیا را نیز در دستور کار و برنامه داریم و فضا برای تعاملات با ظرفیت هایی که این دانشگاه دارد فراهم است. این دانشگاه آبروی نظام است و همان گونه که مقام معظم رهبری درباره این دانشگاه فرمودند: «ما باید مرجعیت علمی را در جهان بر عهده داشته باشیم و زمینه را برای تحصیل همه مذاهب اسلامی فراهم کنیم». به اعتقاد ما می شود این کار را کرد و امکان هست.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری: دانشگاه مذاهب اسلامی پیشانی واقعی اندیشه های ناب انقلاب اسلامی در حوزه وحدت است

که انسان را به سکون و سکوت و بی تحرکی و انجماد فکری وامی دارد و جامعه را به سمت و سوی جهل و قشری گری وامی دارد از جایگاه و از مقام استدلال و برهان و با مؤلفه های قوی دینی و اسلامی با آنها مقابله کند این کار مجموعه دانشگاه مذاهب اسلامی، استادان فرهیخته، دانشجویان و دانش آموختگان خوش فکر و خوش استعداد، دینی و تقریبی است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی خاطرنشان کرد: به نظر من این دانشگاه با ظرفیت های بی بدیل و رسالت های والایی که دارد می تواند رسالتی را نیز در زدودن افکار افراطی و در ترویج و تقویت بنیه تقریبی به جامعه که وعده حیات به انسان می دهد، بردوش بگیرد.

آقای مختاری همچنین با ارائه گزارشی از برنامه ها و اقدامات انجام شده در دوره مدیریت جدید دانشگاه مذاهب اسلامی در این مدت، اظهار داشت: الحمدلله با تیم مجرب، متخصص، آکادمیک و پرتلاشی که معرفی کردیم، سعی می کنیم دانشگاه را در اهداف و رسالت هایی که برایش ترسیم شده به افق هایی که مدنظر مقام معظم رهبری و نظام است به ویژه در عرصه بین المللی برسانیم و این را وظیفه و رسالت خودمان می دانیم.

وی ادامه داد: تمام تلاشمان این است که به این دانشگاه اعتبار بدهیم و آن را به جایگاه حقیقی اش در داخل و خارج برسانیم که در عرصه بین الملل و مراکز دانشگاهی بدرخشد و مطرح باشد چرا که این دانشگاه با مأموریت و اهدافی که دارد و مدلی که پیاده کرده در گردآوری پیروان مذاهب اسلامی نمونه و بی نظیر است. اما متأسفانه این نمونه و مدل زیبا و بی بدیل به خوبی معرفی نشده است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با تأکید بر این که این دانشگاه پیشانی واقعی اندیشه های ناب

جامعه و به ویژه نسل جوان لقاء کنند.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی با اشاره به این که امروز این گروه ها و جریانات فهم ناقص و برخاسته از اندیشه های کوتاه بینانه و منبعث از تعصبات که منشاء آن نیز جهل و نادانی است را به نام فهم دین به خورد جامعه می دهند، گفت: آنها تفسیر و برداشت از متون دینی را به نام آموزه های وحیانی دین به جامعه منتقل و از دین اسلام به عنوان یک آئین نوید دهنده اندیشه های افراطی، خشن و قشری گری به دنیا معرفی می کنند. غافل از این که دینی که رسول مکرّم اسلام (ص) برای جامعه عرضه داشته و قرآنی که بخش اعظم آیاتش از رحمت، عطف و همزیستی مسالمت آمیز است بر آن نگاه زندگی جمعی توأم با صلح، سلم و آرامش تأکید دارد و تمام بشر را به آن دعوت می کند.

وی ادامه داد: به نظر می رسد در چنین شرایط و وضعیتی دانشگاه ها و مراکز علمی و آکادمیک از جمله دانشگاه مذاهب اسلامی با مأموریت هایی که دارد، در این راستا مسئولیت خطیر و رسالت عظیمی بر دوش دارد.

دکتر مختاری به رسالت های مهم و خطیر دانشگاه مذاهب اسلامی در دنیای اسلام اشاره و بیان داشت: اولین رسالتش این است که در راستای تنویر افکار جامعه به ویژه نسل جوان در برابر این تهدیدهای فکری و برداشت های غلط از متون و معارف دین اسلام قدم های ارزنده و مؤثری بردارد و اسلام و آموزه های وحیانی را آن گونه که هست و آنچه را که منشاء هدایت و سازندگی انسان در دو قلمرو فرد و جامعه است منتقل و معرفی کند. وی تأکید کرد: دانشگاه مذاهب اسلامی یک ظرفیتی است برای نشان دادن آن الگوی راستین گفتمان بین فرهنگی و بین مذهبی که برخاسته از تعالیم و آموزه های وحیانی است و در ریشه کردن آنچه امروز به عنوان جمود فکری و اندیشه ای

مراسم آغاز سال تحصیلی ۹۷-۹۶ دانشگاه مذاهب اسلامی با استقبال گسترده دانشجویان شیعه و اهل سنت در سالن همایش شهید ماموستا شیخ الاسلام این دانشگاه برگزار شد.

در این مراسم حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدحسین مختاری رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی ضمن تبریک آغاز سال تحصیلی و خیر مقدم برای دانشجویان جدیدالورود و آرزوی موفقیت برای تمامی دانشجویان، برنامه های کلان دانشگاه در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری و همچنین نقش و جایگاه چنین دانشگاهی در اصلاح رفتارها و اندیشه و افکار افراط گرایانه را تبیین کرد.

دکتر مختاری با بیان این که اکنون در زمانه ای به سر می بریم که دچار نگاه های افراطی و دیدگاه های نابخردانه ای در فهم از دین هستیم، اظهار داشت: البته در ورای این واقعۀ اسفناک، دشمنان اسلام و استکبار جهانی حضور دارند که امروز عبارت از یک نظام ارزشی و فکری جهانی در ایجاد، رشد، تقویت و ترویج این اندیشه ها از همه امکانات و توانایی های خود استفاده کرده و بهره می برد. البته این امر جدیدی نیست و شاید الان به صورت علنی حضور دشمنان را در پشت این رویدادهای غمناک مشاهده می کنیم اما سه، چهار دهه است که چنین تصمیماتی گرفته اند.

وی افزود: متأسفانه در درون جامعه اسلامی برخی افراد، گروه ها و جمعیت هایی به آنچه که در راستای تأمین منافع استکبار جهانی است دامن می زنند و متأسفانه این در میان همه مذاهب اسلامی اتفاق می افتد. در حالی که دین یک امر فرازمانی است این جریانات تلاش می کنند آن را در تنگنای خفه کننده قشریت و تحجر گرفتار کنند و فهم نادرست و اشتباه خود از دین را به جای حقیقت زلال دین و کتاب و سنت بنشانند و به

«دیپلماسی وحدت»؛ پایه گذار همگرایی جهان اسلام

دقیق و رو در روی روحانیون و عالمان، خواستار وحدت مسلمانان جهان اسلام و تقریب مذاهب است. همچنین ترسیم یک نقشه راهبردی، متمایز ساختن مؤلفه های متغیر و ثابت وحدت اسلامی در شرایط موجود منطقه و جهان، اولویت بندی این مؤلفه ها در بازه زمانی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت و تشخیص مقتضیات عرصه منطقه ای و بین المللی برای تبیین بهتر اهداف مورد نظر از ملزومات پیگیری دیپلماسی وحدت منظور می شود. در چنین چارچوبی است که انسجام اسلامی به عنوان ماحصل دیالوگ روشنفکران دینی و نه همسان سازی فرق مذهبی و استیلای یک مذهب بر دیگر مذاهب معنادار می شود. چنانکه این گفت و گوهای مذهبی به عنوان یک استراتژی، راه را برای برجسته ساختن اشتراکات و کم رنگ نمودن وجوه افتراق مسلمانان همواری سازد.

نمای بیرونی دست یابی به چنین رویکرد وحدت آفرینی که در قالب گفتگوهای فراگیر در سطح علمای مذهبی و بر پایه اشتراکات نیرومند دینی و درمیان نخبگان فرهنگی بروز می یابد، همزیستی مسالمت آمیز جریان های مذهبی فارغ از اختلافات کلامی و تاریخی است.

گزاره ای که به درک مناسب دغدغه های فکری و امنیتی مذاهب اسلامی از یکدیگر می انجامد و زمینه را مهیای آن می کند تا از فرصت طلبی گروه های افراطی از طریق دامن زدن به بحران های عمیق منطقه ای خاصه در کشورهای اسلامی جلوگیری کند.

امین تهرانی - سردبیر خبرگزاری تقریب

در درون سیاستگذاری های کلان کشورهای اسلامی حمایت کرده اند. چنانچه جایی در رابطه با این موضوع می فرمایند: «هم در دوران بعد از پیروزی انقلاب و هم پیش از پیروزی انقلاب، همیشه عقیده من بر این بود که امروز شیعه و سنی باید اختلافات دیرین خود را در تعامل روزمره خودشان کنار بگذارند. جنگ و دعوا را کنار بگذارند و مشترکات خود را بچسبند که این یکی از مشترکات می تواند باشد. امروز هم عقیده ام همین است». ذیل پرداختن به چنین ضرورتی و در شرایطی که وضعیت کنونی جهان اسلام و عمیق تر شدن بحران های منطقه ای، بر آتش نزاع های مذهبی هم دمیده است، این پرسش به ذهن متبادر می شود عملیاتی نمودن راهبرد وحدت جهان اسلام با ایتنا به چه سازوکاری امکان پذیر است؟ چنانکه از یک منظر، تشدید اختلافات شیعی - سنی به افزون شدن تهدید منافع ملی جمهوری اسلامی هم انجامیده است.

برای برون رفت از بحران نزاعهای مذهبی و قومی که بر شدت و حدت آن در خلال دومینوی انقلاب های اسلامی منطقه افزوده شد، «دیپلماسی وحدت» از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد. این دیپلماسی که در چارچوبی فراتر از سازوکار دیپلماسی نهادهای رسمی تعریف می شود، راهکار کاستن از اختلافات و تمرکز بر وجوه مشترک جوامع اسلامی را هدفگذاری می کند. هدفی که از طریق فعال کردن و تحرک بخشیدن به تعاملات فکری و ارتباطی جریانهای نخبگی و بهره گیری از گفت وگوهای

اولین اجلاس بین المللی هم اندیشی «نقش اتحادیه های جهانی تقریب نهاد نخبگان جهان اسلام در اجرای راهبرد دیپلماسی وحدت» با قرائت مصوبات این اجلاس به کار خود پایان داد.

بی تردید اصل وحدت و انسجام اسلامی یکی از مهم ترین و کلیدی ترین اصول سیاست خارجی جهان اسلام به شمار می آید. انسجام اسلامی که در واژه، به عنوان تناسب و سازگاری اجزای یک پدیده با پدیده دیگر معنای شود، در قالب یک گزاره مفهومی به همکاری و همگرایی پیروان فرق و مذاهب اسلامی بر مبنای اصول و مبانی اسلامی و پیگیری یک موضع واحد برای تحقق بخشیدن به اهداف اسلامی در مواجهه با واگرایی هم پیمانان دینی و دشمنان واحد جهان اسلام تعبیر می شود. انسجامی که شکل گیری آن در عین وجود اختلافات مذهبی الگوی مطلوب جهان اسلام به شمار می آید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این اصل و پیگیری برای دست یابی به آن مورد تأکید و توجه ویژه بنیانگذار انقلاب اسلامی قرار گرفت و به عنوان یکی از ابعاد سیاست تحکیم وحدت جهان اسلام و مقابله با استکبار جهانی، در قالب قانون اساسی و سیاستهای کلی نظام اسلامی تثبیت شد. چنانکه بعدها ضرورت پیگیری تحقق آن در وجوه مختلف سیاست گذاری و نهادسازی در کشور بروز یافت. مقام معظم رهبری هم به فراخور برجسته شدن ضرورت تبیین این اصل و عملیاتی شدن آن در جمهوری اسلامی بارها از تقویت انسجام مذهبی بین شیعه و سنی

پیام آیت الله اراکی در پی وقوع حادثه تروریستی افغانستان

در پی وقوع حادثه تروریستی در شهرهای کابل و غور افغانستان که منجر به شهادت جمع کثیری از مسلمانان شد، آیت الله اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با صدور پیامی خواستار پایان بخشیدن به اینگونه حوادث با استفاده از ظرفیت های بین المللی شد.

بسم الله الرحمن الرحيم
«اَئَا لََّهٗ وَ اَئَا لِیْهِ رَاجِعُوْنَ»

خبر تلخ انفجار تروریستی در مسجد «صاحب الزمان (عج)» کابل و همچنین مسجد شهرستان غور و به شهادت رسیدن امام جماعت و جمعی از نمازگزاران مظلوم افغانستان قلب هر مسلمانی و بلکه هر آزاده ای را البریز از غم و اندوه می کند. این حادثه ناگوار بغض و خشم، نسبت به تروریست های مزدور و اربابان بی رحمشان را در وجود انسان های غیرت مند به جریان درمی آورد.

بی شک بستر این آشوب و نابسامانی ها در کشور بزرگ و متمدن افغانستان نتیجه اشغال ظالمانه و حضور مستکبران آمریکای جنایتکار است که پس از شکست های پیاپی در برابر شجاعت و استقامت و شرف مردم افغانستان با ایجاد گروهک های تروریستی و تجهیز آنان در پی برافروختن آتش درگیری های مذهبی است.

اکنون که فریاد مظلومیت مردم افغانستان در همه جای جهان به گوش می رسد بر دولت ها و مسئولین کشورهای اسلامی فرض است که اجازه ندهند بیش از این مردم ستمدیده ی افغانستان متحمل رنج و مرارت شوند و دلسوزان امت اسلامی باید از تمام ظرفیت خود برای دادخواهی مظلومین آن منطقه استفاده کنند.

از خداوند متعال که یاور مظلومین و ستمدیدگان است می خواهیم که خود، حق مسلمانان مظلوم را از دشمنان اسلام و عدالت بستاند و پایه های استکبار را با ظهور ولیّ خود در هم بشکند.

«و سَتَعْلَمُ اَلَّذِیْنَ ظَلَمُوْا اَیَّ مَثَلٍ یَّنْقَلِبُوْنَ»

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

سرمدیر: سید محمود خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (مفانیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۳۷۷۴۱۴۲۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

کلیه شقوق: www.ketab.ir/shorrough

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

روایتی از مقاومت زنان و مردان ایرانی در دوران کشف حجاب رضاخانی



خاطرات مقاومت زنان و مردان ایرانی در دوران کشف حجاب رضاخانی در کتابی با عنوان «چادری که جانماند» به دست مصطفی فاروئی فیروزی گردآوری و توسط ایوب خرسندی و الهام یوسفی تدوین و از طرف انتشارات بوی شهر بهشت روانه بازار کتاب شده است.

«چادری که جا نماند» با دغدغه‌مندی مسئولان شهرداری مشهد و به سفارش دبیرخانه طرح ملی گهرشاد تدوین شده و به خاطرات زنان و مردان مقاومی می‌پردازد که در برابر قلدری رضاخان کوتاه نیامدند.

کتاب «چادری که جانماند» روایتی غرورآمیز از مبارزات شیر زنان ایرانی برای حفظ دین و ارزش‌های اسلامی در مقابل فرمان کشف حجاب رضاخان در سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰ است. این کتاب شامل یکصد و یک خاطره برگزیده از مجموعه خاطراتی است که دبیرخانه طرح ملی گهرشاد با اتکا بر ظرفیت‌های محتوای و مردمی هزاران خاطره از سراسر کشور گرد آورده است.

رویکرد اصلی در انتخاب این خاطرات، مقاومت زنان و مردان ایرانی در برابر سیاست‌های ضددینی رضاخان به‌ویژه کشف حجاب اجباری بوده است. برای هر خاطره با توجه به مضمون داستان آن یک نام انتخاب شده است، که در زیرتیتر هر خاطره، نام دو نفر ذکر شده است: کسی که خاطره را نقل کرده و کسی که خاطره از او نقل شده است.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «مادرم می‌گفت: من در زمان ممنوعیت حجاب، در ساهه و در یکی از روستاها به نام خلول بودم. در آنجا جلوی در ورودی هر خانه یا هر کوچه، یک انبار آب بود که به آن مرغک می‌گفتند. من رفته بودم آب بیاورم. وقتی از آنجا بیرون آمدم، مامورها به من حمله کردند. سلطم از دستم افتاد. آن‌ها سوار بر اسب بودند. چادر من را از سرم کشیدند و بعد من را کتک زدند و رفتند. من چادرم را با یک سنجاق نگه داشته بودم. وقتی آن‌ها از پشت چادرم را کشیدند، جای این سنجاق خون آمد و باعث زخم شدیدی در گلوئی من شد. جای این زخم سنجاق هنوز روی گلوئی من مانده.»

همچنین در جایی دیگر می‌خوانیم: «مادر بزرگم تعریف می‌کنند: در زمان کشف حجاب، خانمی به نام شاه‌پسند بود. او برای جلوگیری از تعرض مامورها، به صورت خودش زغال می‌زد و طوری صورتش را سیاه می‌کرد که حتی مامورها هم از کارش تعجب می‌کردند.»

کتاب «چادری که جا نماند» در ۱۱۰ صفحه با شمارگان ۱۰ نسخه و بهای ۷۰۰ تومان توسط انتشارات بوی شهر بهشت چاپ و روانه بازار کتاب شده است.

گفت‌وگو با محمود حکیمی درباره کتاب «دین محبت»

تاکید امامان شیعه بر عدالت و مهرورزی بوده است

ایننا: محمود حکیمی، نویسنده و پژوهشگر پیشکسوت درباره جدیدترین کتاب خود با عنوان «دین محبت» گفت: این کتاب که فراهم‌آوری و نگارش آن ۵ سال به طول انجامید، حاوی احادیث و روایات چهارده معصوم (ع) در زمینه محبت و مهرورزی است. کتاب «دین محبت» در ۱۴ فصل با عنوان هریک از معصومان تنظیم شده که در هر فصل، پس از ذکر پیامی از هریک از چهارده معصوم و زندگینامه مختصر، احادیث مرتبط با محبت و مهرورزی آورده شده است. وی ادامه داد: این کتاب در سال ۹۶ از سوی نشر آرون به بازار نشر عرضه شده و به دلیل استقبال بسیار خوب مخاطبان، به‌زودی به چاپ دوم می‌رسد.

حکیمی با اشاره به اینکه بیشتر روایات و احادیث ۱۴ معصوم، دعوت انسان‌ها به مهرورزی است، بیان کرد: در شرایطی که برخی جمعیت‌ها مانند تکفیری‌ها، اعمال زشت و خشن از خود نشان می‌دهند و متأسفانه پس از انجام این اعمال نیز ندای «الله اکبر» سر می‌دهند، وقتی به زندگانی معصومان (ع) رجوع می‌کنیم، سراسر محبت و مهرورزی و ارزش نهادن به جان انسان‌هاست. به این دلیل تصمیم گرفتم درباره زندگانی این

انسان‌های بزرگ و الهی احادیثی با این مضامین را جمع‌آوری کنم که ماحصل آن کتاب «دین محبت» است. یکی از دوستان پس از مطالعه کتاب، معتقد بود که در بین ۷۰ کتابی که از من خوانده، این اثر فوق‌العاده است و به روایتی از امام صادق (ع) که در صفحه ۲ کتاب آمده اشاره کرد که: «هل الدین، الا الحب؛ آیا دین، غیر از محبت چیز دیگری است.» این نویسنده پیشکسوت افزود: عقیده دارم در بیشتر آثاری که در زمینه علوم اجتماعی و انسانی می‌نویسیم و یا به زبان‌های دیگر ترجمه می‌کنیم، باید تا حد امکان از محبت سخن بگوییم، زیرا در جهانی زندگی می‌کنیم که متأسفانه در بسیاری از کشورها به جان انسان‌ها اهمیتی داده نمی‌شود. وی گفت: پیش از تالیف این اثر، کتاب «پیام کوثر» را نوشته‌ام که درباره زندگانی حضرت فاطمه زهرا (س) است. در این کتاب در قالب ۲۸ روایت بر این مساله تأکید شده که زندگانی حضرت فاطمه زهرا (س) نیز مانند پدرش حضرت محمد (ص) و همسرش حضرت علی (ع) براساس محبت و مهرورزی بوده است. سفارش و تأکید امامان شیعه، همواره بر عدالت و محبت به همگان استوار بوده و این در کتاب‌های ارزشمند «نهج‌البلاغه» و «صحیفه سجادیه» به خوبی نمایان است.

حجت‌الاسلام والمسلمین مهدوی‌راد: تحول خاصی در وضعیت نشر حوزه دین رخ نداده است



همین حد باقی می‌ماند و بررسی و نقد علمی روی آن‌ها صورت نمی‌گیرد و یا آثار در دسترس همه پژوهشگران قرار نمی‌گیرد.

دبیر علمی جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی بیان کرد: عرب‌ها به‌ویژه کشورهایی مانند مغرب و الجزایر، در حوزه مطالعات بین‌رشته‌ای قرآنی پیشروتر از ما هستند و شاید این به دوزبانه بودن آن‌ها برمی‌گردد. کمتر استاد دانشگاهی را در آن کشورها پیدا می‌کنید که در کنار زبان اصلی خود، حداقل به یک زبان دیگر از جمله انگلیسی و فرانسه مسلط نباشد. متأسفانه ما چندان پیوندی با یادگیری زبان نداریم. نکته دیگر این است که مواجهه آن‌ها با غرب از ما زودتر و بازتر است؛ یعنی زودتر با برآیند اندیشه‌های متفکران غرب برخورد کردند و کمی هم فضای ارتباطی بازتری نسبت به ما دارند. ما هم در بخش‌هایی مانند تراش، روشنفکری، مطالعات قرآنی و بحث‌های کلامی جدید، حرف‌های بسیاری برای گفتن داریم. در حوزه مطالعات تفسیری هم اعم از تک‌نگارانه و مفصل امروز اوضاع چندان بدی نداریم و در زمینه‌های پژوهش‌های دینی و قرآنی نمی‌گوییم اصلاً کاری صورت نمی‌گیرد، ولی مطلوب ما نیست.

مهدوی‌راد همچنین در بیان اهمیت تعامل و همکاری در حوزه‌های پژوهش و نشر با دیگر کشورها به‌ویژه کشورهای منطقه، گفت: موسسات و مراکز علمی، پژوهشی و انتشاراتی ما باید با دیگر کشورها ارتباط موثر و تبادل داشته باشند. موسسات انتشاراتی همچون «دارالتور» از کشور اردن از جمله ناشرانی است که ایرانی‌ها خیلی خوب می‌توانند با آن‌ها تعامل برقرار کنند. در کشور مغرب موسسه‌ای با عنوان «مومنون بلاحدود» وجود دارد که به‌نظر می‌رسد نام آن را از روی پزشکان بدون مرز برداشته‌اند. نام این موسسه واقعاً با ماهیت‌شان سازگاری دارد و اسیر مذهب و مذهب‌بازی نیستند و آثار متنوع و خوبی را از همه کشورها چاپ می‌کنند. این موسسه مجله‌ای با عنوان «یتفکرون» دارد که در آن مقالات فضایی ایرانی به زبان عربی ترجمه و چاپ شده است. مطمئناً اگر همان فکری که درباره آن مقاله می‌نویسند در قالب کتاب منتشر و عرضه شود، برای ما هم بسیار قابل استفاده است.

می‌شوند نیز همان سطح بالا را دارند؟ مثلاً استادی که رشته‌ای خاص دارد در موضوعی دیگر به‌طور اشتراکی مقاله‌ای ارائه داده است. این موارد باعث می‌شود که پژوهشگران، اساتید و اهالی قلم به کمیت‌ها بیاندیشند و در فکر این هستند که چقدر مقاله و چقدر کتاب بنویسند که به درجات استادیاری و استادی برسند.

مهدوی‌راد با ذکر نمونه‌هایی از پژوهش‌های واقعی که در آن‌ها کیفیت بر کمیت غلبه دارد نیز گفت: در میان عالمان کسانی هستند که فقط یک کتاب ۱۰۰ صفحه‌ای دارند. سید مرتضی یک کتابچه با موضوع متفردات شیعه دارد. یکی از اساتید می‌گفت ایشان به اندازه یک کتابخانه کتاب خوانده تا این کتابچه را نوشته است. این کتاب ۱۰۰ صفحه‌ای به همه فقه عامه و فقه شیعه اِشراق دارد. کمیت نباید برای ما معیار باشد. البته امروز هم روزه‌های امیدی می‌بینیم. چند سال پیش کتابی از یکی از اساتید جوان گروه تاریخ و تمدن اسلامی در دانشکده الهیات با موضوع فرهنگ و اندیشه دیدم که به قدری این اثر پرمعنی، پرمصدر و پرمطالعه و دقیق همراه با استنتاج‌های استوار تدوین شده بود که از دیدن و مطالعه آن لذت بردم و نویسنده جوانش دعا کردم.

سرمدیر نشریه «آیین» پژوهش» نداشتن دید کافی نسبت به انجام پژوهش‌های خارج از مرزها را از آسیب‌ها برشمرد و ادامه داد: یکی از مشکلات جدی ما در زمینه پژوهش به‌ویژه در حوزه دین این است که به خارج از مرزها نگاه دقیق و جدی نداریم و از نتایج پژوهش‌های دیگران غافلیم. به‌ویژه در سال‌های اخیر تحولات زیادی در اندیشه و تفکر دینی در خارج از مرزها ایجاد شده و آثار متعددی درباره اسلام و تشیع به نگارش درآمده که البته همه آثار غرض‌ورزانه نبوده و گاهی نگاه متعادلی دارند. ما باید ضمن توجه به کیفیت آثار خودمان، به برآیند پژوهش‌های دیگران نیز اهمیت دهیم و به‌طور مداوم رصد کنیم. حتی همین اندازه اندک از آثار جدید خارجی‌ها را نیز که در اختیار داریم، بررسی دقیق نمی‌کنیم. البته برخی موسسات در ایران هستند که تقریباً همه کتاب‌های مهم خارج از مرزها را خریداری می‌کنند، ولی فقط در

ایننا: حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد، نویسنده و قرآن‌پژوه، درباره وضعیت کمی و کیفی آثار حوزه دین و پژوهش‌های قرآنی در کشور بیان کرد: در سه سال گذشته که مسئولیت برگزاری جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی را داشتم، این‌طور تصور می‌کنم که تحول خاصی در وضعیت نشر حوزه دین رخ نداده است. البته از نظر کمی هیچ‌گاه کمبودی نداشتیم، بلکه گاهی رشد نیز داشته‌ایم، ولی از لحاظ کیفی، نه اینکه کارهای مهمی انجام نمی‌شود، بلکه باید گفت که کارهای مهم در سطح توقع ما انجام نمی‌شود. ما در کشور جمهوری اسلامی هستیم و ادعای ام‌القرایی برای جهان اسلام داریم و قرائت ما از اسلام، قرائت شیعی است که حقا و انصافاً، عقلانی‌ترین، دقیق‌ترین، استوارترین و بی‌مساله‌ترین قرائت است. با توجه به همه این موارد، برآیند خیلی رضایت‌بخش نیست.

وی با اشاره به اینکه حوصله و دقت در کار پژوهش کم شده، افزود: در کتاب سال حوزه که به حوزه دین اختصاص دارد، حجت‌الاسلام حقی که با این جایزه همکاری دارد، ارزیابی از آن داشته که هم نزدیک به واقعیت و هم تکان‌دهنده است؛ نتیجه این بود که برای مواردی همچون تتبع و دیدن منابع مختلف امتیازها در سطح بالا (عالی و ممتاز) بوده، ولی آیت‌هایی همچون ابتکار، خلاقیت، نوآوری و تحلیل‌های دقیق و عمیق و مستند بر اصول فنی تحقیق، حتی امتیاز بسیار خوب هم نداشت. این نشان می‌دهد که هرچه ابزار پژوهش گسترده‌تر و دستیابی به منابع آسان‌تر و روان‌تر شود، تأمل و حوصله و دقت به خرج دادن کمتر می‌شود. این آفتی است که باید ارزیابی و آسیب‌شناسی شود.

سرمدیر فصلنامه «نقد کتاب قرآن و حدیث»، کمیت‌گرایی را آفتی می‌داند که ما را به سمت باری به هرجهت‌گرایی می‌کشاند. وی در این باره توضیح داد: وقتی به‌عنوان استاد یا محقق برای ارتقای علمی شخصی در مقام ارزیابی قرار داریم و یا در جلسات ارتقاء مثلاً می‌بینیم پژوهشگری ۲۰ مقاله در ۲۰ مجله علمی - پژوهشی دارد. در هنگام امتیازدهی به مجلات بسیار سخت‌گیری می‌شود، ولی آیا در ادامه مسیر هم این سخت‌گیری‌های لازم ادامه دارد و مقالاتی که در این مجلات چاپ